

تفاوت فتاوا

بر اساس فتاواى حضرت امام خمينى «ره» و مقام معظم رهبرى «مد ظله العالى»

بخش استفتائات

مرداد ۱۴۰۱



۵	مقدمه
۶	تقلید
۶	نجاسات و مطهرات
۸	وضو
۱۰	مسائل اختصاصی وضو (مواردی که طبق نظر مقام معظم رهبری می باشد و نظری از حضرت امام ره در این خصوص یافت نشد).
۱۰	غسل
۱۰	احکام میت
۱۱	تیمم
۱۲	نماز
Error! Bookmark not defined.	وقت
۱۳	قبله
۱۳	پوشش
۱۴	مکان نمازگزار
۱۵	اذان و اقامه
۱۵	نیت
۱۵	قیام
۱۶	قرائت
۱۷	رکوع
۱۸	سجده
۱۹	مساله اختصاصی در مورد سجده
۱۹	مبطلات نماز
۲۰	شکیات و سجده سهو
۲۱	نماز مسافر
۲۱	شرایط قصر

۲۱	شرط اول: مسافت شرعی
۲۲	شرط دوم و سوم: قصد مسافت و استمرار آن
۲۲	شرط پنجم: معصیت نبودن سفر
۲۳	شرط ششم: خانه بهبودش نبودن
۲۴	شرط هفتم: سفر شغلی نبودن
۲۴	شرط هشتم: حد ترخص
۲۵	قواطع سفر
۲۷	احکام مسافر
۲۸	مسائل اختصاصی در مورد نماز مسافر
۳۰	نماز قضا و استیجاری
۳۰	نماز آیات
۳۱	نماز جماعت
۳۳	مسائل اختصاصی در مورد نماز جماعت
۳۳	نماز جمعه
۳۴	روزه
۳۴	شرایط وجوب و صحت روزه
۳۴	نیت
۳۵	مبطلات روزه
۳۶	قضای روزه
۳۸	مواردی که قضا و کفاره واجب است
۳۹	رؤیت هلال
۴۰	اقسام روزه
۴۰	مسائل اختصاصی در مورد روزه
۴۱	اعتکاف
۴۱	مساله اختصاصی در مورد اعتکاف
۴۱	خمس
۴۴	مسائل اختصاصی در مورد خمس
۴۴	زکات
۴۵	نذر

۴۵	حج (موارد تفاوت فتوا در مورد حج تنها مربوط به شرایط استطاعت می باشد)
۴۶	نگاه و پوشش
۴۶	مساله اختصاصی در مورد نگاه و پوشش
۴۶	نکاح
۴۷	مساله اختصاصی در مورد نکاح
۴۷	مسائل اختصاصی در مورد طلاق
۴۷	معاملات
۴۹	اطعمه و اشربه
۴۹	ارث زوجه
۴۹	مسائل اختصاصی در مورد دین و قرض
۴۹	وقف
۵۰	مسائل اختصاصی در مورد وقف
۵۰	صدقه
۵۰	مسائل پزشکی
۵۱	مساله اختصاصی در مورد مسائل پزشکی

مقدمه

۱. مقلدین رهبر معظم انقلاب اسلامی دام‌ظله می‌توانند برای دستیابی به فتاوی‌ای معظم له به رساله نماز و روزه، رساله آموزشی، اجوبه‌الاستفتائات چاپ جدید، مناسک حج و منابع موجود در سایت www.leader.ir مراجعه کنند، همچنین می‌توانند با ملاحظه موارد اختلاف فتوایی که در این نوشته آمده، در سایر مسائلی که علم به اختلاف فتوا ندارند، به تحریرالوسیله یا رساله حضرت امام قدس‌سره مراجعه نموده یا به صورت شفاهی و یا از طریق اینترنت از دفتر معظم له استفتاء کنند.
۲. برای سهولت در تشخیص موارد اختلاف، زیر قسمتهای مورد تفاوت فتوا خط کشیده است تا خوانندگان به سرعت به تفاوت فتوای موجود منتقل شوند.
۳. فتاوی‌ای حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی قدس‌سره از کتاب‌های «تحریرالوسیله»، «توضیح المسائل»، «استفتاءات» ده جلدی، «العروة الوثقی» و «مناسک حج» آورده شده است.
۴. فتاوی‌ای حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دام‌ظله از کتاب «نماز و روزه»، «نماز مسافر جامع»، «اجوبه‌الاستفتائات»، «رساله آموزشی»، «مناسک حج» و استفتائات موجود در دفتر معظم له آورده شده است.

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بیست و پنجم ذی القعدة الحرام ۱۴۴۳

تقلید

ردیف	نظرات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)	نظرات حضرت امام (ه)
۱	تقلید از مجتهد میت ابتداءً بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. (اجوبه الاستفتائات، س ۲۲)	تقلید از مجتهد میت ابتداءً جایز نیست. (تحریرالوسیله، المقدمة فی احکام التقلید، م ۱۳)
۲	ذکر احتیاط قبل یا بعد از فتوا احتیاط مستحب می باشد لکن در مواردی که این احتیاط همراه با عبارت «لا یترک الاحتیاط» (احتیاط ترک نشود) آمده باشد، مراد احتیاط واجب است. (استفتا، ۷)	س: اگر بعد از فتوا تعبیر به لایترک الاحتیاط شد، آیا این احتیاط واجب است؟ ج: عبارت لایترک الاحتیاط اگر در موردی بعد از بیان فتوی ذکر شود برای بیان تأکد حسن احتیاط است. (استفتائات موجود در پایان توضیح المسائل، س ۱)

نجاسات و مطهرات

۳	آب کر تقریباً ۳۸۴ لیتر می باشد. (استفتا، ۲)	آب گر به حسب کیلوی متعارف بنا بر اقرب ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم می باشد. (تحریرالوسیله، فصل فی المیاه، م ۱۴)
۴	کفاری که به دین آسمانی متدین نیستند نجس می باشند، اما اهل کتاب (یهود، نصارا، زرتشتی و صابئین) پاک هستند. (استفتا، ۹ و اجوبه الاستفتائات، س ۳۱۳ و ۳۱۶)	غیر مسلمان از هر دین و مذهبی که باشد محکوم به نجاست است. (تحریرالوسیله، القول فی النجاسات، العاشر و استفتائات، ج ۱، س ۲۶۷)
۵	فضله پرندگان حرام گوشت نجس نیست. (استفتا، ۹ و اجوبه الاستفتائات، س ۲۷۹)	فضله پرندگان حرام گوشت نجس است. (تحریرالوسیله، القول فی النجاسات، م ۱)
۶	منی انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد نجس است. منی حیوانات حلال گوشت بنا بر احتیاط واجب نجس است. (استفتا، ۹)	سوم: منی هر حیوانی که خون جهنده دارد؛ خواه حلال گوشت باشد یا حرام گوشت، نجس است. (تحریرالوسیله، القول فی النجاسات، الثالث)
۷	عرق جنب از حرام و عرق حیوان نجاست خوار بنا بر اقوی پاک است، لکن احتیاط واجب آن است که با آن نماز خوانده نشود. (اجوبه الاستفتائات، س ۲۷۰)	عرق شتر نجاست خوار نجس است، ولی اگر حیوانات دیگر نجاست خوار شوند، از عرق آنها اجتناب لازم نیست. (تحریرالوسیله، القول فی النجاسات، الحادی عشر)
۸	خون در تخم مرغ پاک است، ولی خوردن آن حرام است. (استفتا، ۱۴ و اجوبه الاستفتائات، س ۲۶۹)	خونی که در تخم مرغ می باشد نجس نیست، ولی به احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کنند. (تحریرالوسیله، القول فی النجاسات، الخامس)
۹	گوشت و چرم و سایر اجزای حیوانات در صورتی که از کشورهای غیر مسلمان تهیه شود اگر احتمال دهد که آن حیوان ذبح اسلامی شده است، پاک است و اگر یقین دارد که ذبح اسلامی نشده محکوم به نجاست است. (استفتا، ۱۲)	...اگر بداند مسلمان، بدون تحقیق از کافر گرفته، بنا بر احتیاط (واجب) بلکه بنا بر اقوی باید از آن اجتناب نمود. (تحریرالوسیله، القول فی النجاسات، م ۴)
۱۰	مشروبات مست کننده بنا بر احتیاط نجس است. (استفتا، ۹ و اجوبه الاستفتائات، س ۳۰۱)	شراب و هر چیزی که انسان را مست می کند، چنانچه به خودی خود روان باشد نجس است. (تحریرالوسیله، القول فی النجاسات، الثامن)

<p>چیزی که با برخورد نجاست نجس شده است، تا سه واسطه همچنان نجس کننده است، ولی بیش از آن نجس کننده نیست.</p> <p>(تحریرالوسیله، القول فی کیفیت التنجس بها، م ۹)</p>	<p>چیزی که با عین نجس تماس یافته و نجس شده است، اگر با چیزی که پاک است تماس بیابد و یکی از آنها تر باشد آن چیز پاک را نجس می کند و باز این چیزی که بر اثر ملاقات با متنجس، نجس شده است اگر با چیز پاک تماس بیابد بنا بر احتیاط واجب آن را نجس می کند، ولی این متنجس سوم هیچ چیزی را با ملاقات خود نجس نمی کند.</p> <p>(استفتا، ۱۹ و اجوبة الاستفتائات، س ۲۸۳)</p>	<p>۱۱</p>
<p>اگر يك نفر عادل بگوید چیزی نجس است، بنا بر احتیاط واجب، باید از آن چیز اجتناب کرد.</p> <p>(تحریرالوسیله، القول فی کیفیت التنجس بها، م ۳)</p>	<p>خبر واحد در موضوعات حجت نیست.</p> <p>(استفتا، ۲۰۷)</p>	<p>۱۲</p>
<p>چنانچه چیزی - غیر از ظرف - با بول نجس شده باشد، باید دو بار شسته شود و احتیاط واجب آن است که این دو بار شستن غیر از شستن برای برطرف نمودن بول باشد.</p> <p>(تحریرالوسیله، فصل فی المطهرات، اولها)</p>	<p>چیزی (غیر از ظرف) که بر اثر تماس با بول نجس شده است هرگاه پس از برطرف شدن عین نجاست دو مرتبه آب قلیل روی آن ریخته شود، پاک می شود و چیزی که با نجاسات دیگر تماس یافته و نجس شده است، پس از برطرف شدن عین نجاست اگر یک مرتبه شسته شود پاک می شود.</p> <p>(استفتا، ۲۱)</p>	<p>۱۳</p>
<p>ظرفی که به ولوغ (ریختن آب دهان) سگ در آب یا چیز روانی که در آن می باشد نجس شده باید اول، با خاکی که بنا بر احتیاط واجب پاک است، خاک مال شود و سپس دو بار با آب قلیل شسته شود و یا با آب کر و یا جاری بنا بر احتیاط واجب دو بار شسته شود. و اگر به غیر از ولوغ ولی با برخورد دهان سگ با آن مثل آن که سگ آن را لیسیده نجس شود، نیز بنا بر احتیاط واجب همین حکم را دارد.</p> <p>(تحریرالوسیله، فصل فی المطهرات، اولها)</p>	<p>ظرفی را که سگ در آن آب یا چیز روان دیگر خورده یا آن را لیسیده است باید اول با خاک مال شستشو کرد و سپس با آب شست و اگر با آب قلیل شسته می شود باید پس از خاک مال، دو مرتبه شسته شود.</p> <p>(استفتا، ۲۴)</p>	<p>۱۴</p>
<p>ظرفی را که خوک از آن چیز روانی بخورد، با آب قلیل باید هفت مرتبه شست، و در گرو جاری نیز هفت مرتبه باید شست به احتیاط واجب.</p> <p>(تحریرالوسیله، فصل فی المطهرات، اولها و م ۲)</p>	<p>ظرفی که در آن خوک، غذای روان یا آب بخورد، باید هفت مرتبه شسته شود.</p> <p>(استفتا، ۲۵)</p>	<p>۱۵</p>
<p>کف پا و ته کفش اگر به واسطه غیر راه رفتن نجس شده باشد، پاک شدنش به واسطه راه رفتن اشکال دارد. برای پاک شدن کف پا و ته کفش، بهتر است پانزده قدم یا بیشتر راه بروند، اگرچه به کمتر از پانزده قدم یا مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.</p> <p>(تحریرالوسیله، فصل فی المطهرات، ثانیها)</p>	<p>کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او نجس شده است هرگاه تقریباً به قدر ده قدم روی زمین خشک و پاک راه برود و عین نجس یا متنجس بر اثر راه رفتن یا مالیدن پا به زمین از آن برطرف شود، کف پا یا ته کفش که نجس شده است پاک می شود.</p> <p>(استفتا، ۲۶ و اجوبة الاستفتائات، س ۸۰)</p>	<p>۱۶</p>
<p>اگر دندان مصنوعی طوری باشد که به دندان طبیعی چسبیده باشد و نشود آن را برای آب کشیدن به بیرون از دهان آورد، بنا بر احتیاط واجب حکم دندان طبیعی را ندارد و باید تطهیر شود.</p> <p>(استفتائات، ج ۱، س ۲۵۸)</p>	<p>اگر دندان مصنوعی یا پر شده به گونه ای است که جزو دندان طبیعی محسوب می شود حکم دندان طبیعی را دارد که با زوال عین نجاست پاک می شود و آب کشیدن داخل دهان لازم نیست و الا باید خود دندان مصنوعی نیز تطهیر شود.</p> <p>(استفتائات)</p>	<p>۱۷</p>

<p>پاك كنده دهم، غايب شدن مسلمان است كه موجب طهارت خود انسان و لباس و فرش و ظرف و هر چيز ديگري است كه در اختيار او مي باشد كه با آنها معامله پاك بودن مي شود، مگر علم به بقاي نجاست داشته باشيم و <u>بعيد نيست كه هيچ شرط ديگري معتبر نباشد</u>؛ بنابراین حكم به طهارت جاري است چه آن فرد آگاه به نجاست بوده يا نبوده، اعتقاد به نجاست آن شيء نجس داشته يا نداشته باشد، لاابالي در دين باشد يا نباشد.</p> <p>(تحريرالوسيله، فصل في المطهرات، عاشرها)</p>	<p>هرگاه يقين داشته كه بدن يا لباس يا يكي از چيزهاي شخص مسلماني نجس است و آن مسلمان را مدتي نپيند و سپس بپيند كه او با آن چيزي كه نجس بوده است رفتار چيز پاك را مي كند، <u>آن چيز محكوم به ياك است مشروط به اين كه صاحب آن چيز از نجاست قبلي و از احكام طهارت و نجاست باخبر باشد.</u></p> <p>(استفتا، ۳۲)</p>	۱۸
<p>مخرج بول با غير آب پاك نمي شود، و <u>مردها</u> اگر بعد از برطرف شدن بول يك مرتبه بشويند <u>كافي است</u>، ولي زنها و همچنين كساني كه بولشان از غير مجرای طبيعي مي آيد، احتياط واجب آن است كه دو مرتبه بشويند.</p> <p>(تحريرالوسيله، فصل في الاستنجاء، م ۱)</p>	<p>برای طهارت مخرج بول با آب قليل بعد از برطرف شدن بول <u>دو بار شستن بنا بر احتياط لازم است.</u></p> <p>(استفتا، ۳۵ و اجوبة الاستفتائات، س ۹۰)</p>	۱۹
<p>هرگاه با سنگ و كلوخ و مانند اينها غائط را از مخرج برطرف كنند، <u>اگرچه پاك شدنش محل تأمل است</u> ولي نماز خواندن مانعي ندارد و چنانچه چيزي هم به آن برسد نجس نمي شود، و ذره هاي كوچك و لزوجت محل، اشكال ندارد.</p> <p>(تحريرالوسيله، فصل في الاستنجاء، م ۲ و ۴)</p>	<p>مخرج مدفوع را به دو گونه مي شود <u>تطهير كرد:</u></p> <p>... دوم آن كه با سه قطعه سنگ يا پارچه پاك و امثال آن، نجاست را پاك نمايد و اگر با سه قطعه، نجاست زائل نشد با قطعات ديگري آن را كاملاً پاك كنند.</p> <p>(استفتا، ۳۶ و اجوبة الاستفتائات، س ۹۹)</p>	۲۰

وضو

<p>روي پاها را از سريكي از انگشتها تا <u>برآمدگي روي</u> يا مسح كند و احتياط مستحب است تا مفصل ساق را مسح كند.</p> <p>(تحريرالوسيله، فصل في الوضوء، م ۱۵)</p>	<p>بايد مسح پا را تا <u>مفصل ساق</u> بكنند.</p> <p>(استفتا، ۴۳ و اجوبة الاستفتائات، س ۱۰۶ و ۱۱۱)</p>	۲۱
<p>بايد صورت را بنا بر احتياط واجب از بالا به پايين شست و اگر از پايين به بالا بشويد وضو باطل است و دستها را بايد از مرفق به طرف سرانگشتان بشويد.</p> <p>(تحريرالوسيله، فصل في الوضوء، م ۲ و ۳)</p>	<p><u>صورت و دستها در وضو بايد از بالا به پايين شسته شود و اگر از پايين به بالا بشويد وضو باطل است.</u></p> <p>(استفتا، ۴۶)</p>	۲۲
<p>...و اگر با يك مشت آب تمام عضو شسته شود و به قصد وضو بريزد يك مرتبه حساب مي شود چه قصد بکند يك مرتبه را يا قصد نکند.</p> <p>(توضيح المسائل، م ۲۴۸)</p>	<p>شستن صورت و دستها در وضو بار اول واجب و بار دوم جازي و بيش از آن غير مشروع است. <u>تعيين كننده بار اول يا دوم يا بيشتر، قصد وضو گيرنده است</u>، يعني مي تواند به قصد بار اول شستن، چند مرتبه آب به روي صورت بريزد. (استفتا، ۴۷ و اجوبة الاستفتائات، س ۱۰۲)</p>	۲۳
<p>...و احتياط اين است كه <u>مسح پاي راست را بر چپ مقدم يدارد</u> بلكه واجب بودن آن خالي از وجه نيست.</p> <p>(تحريرالوسيله، شرائط وضو)</p>	<p>ترتيب وضو از اين قرار است: شستشوي صورت از بالا پيشاني يعني جايي كه موي سر روپيده است تا سر چانه، سپس شستن دست راست از آنج تا سر انگشتان، سپس شستن دست چپ از آرنج تا سر انگشتان، سپس كشيدين دست مرطوب بر روي قسمت جلوي سر، و در آخر كشيدين دست مرطوب بر روي هر دو پا از سر انگشتان يا تا مفصل ساق يا.</p> <p>(استفتا، ۴۳)</p>	۲۴

۲۵	احتیاط آن است که مسح سر با دست راست کشیده شود، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست. (استفتاء، ۴۸)	لازم نیست مسح سر با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح کند. (تحریرالوسیلة، فصل فی الوضوء، م ۱۴)
۲۶	اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب تَر کند، بلکه باید دست را یا رطوبتی که در ریش یا ابرو هست مرطوب کند و مسح کند. (استفتاء، ۵۲)	...باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید. (تحریرالوسیلة، فی واجبات الوضوء، م ۱۷)
۲۷	اگر بعد از وضو شک کند که آیا موضعی را که از قبل نجس بود تطهیر کرده و سپس وضو گرفته است یا نه، وضوی او صحیح است ولی باید آن موضع را آب بکشد. (درس خارج نماز جماعت، جلسه ۳۶، قاعده فراغ و استفتاء، ۵۹)	...چنانچه در موقع وضو ملتفت یک بودن و نجس بودن آن جا نبوده، وضو باطل است و اگر می‌داند ملتفت بوده یا شک دارد که ملتفت بوده یا نه، وضو صحیح است و در هر صورت جایی را که نجس بوده باید آب بکشد. (تحریرالوسیلة، شرائط وضو، م ۱۳)
۲۸	اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضای وضو مانعی از رسیدن آب وجود دارد و بعد از وضو شک کند که آب را به زیر آن رسانده یا نه، وضو صحیح است. (درس خارج نماز جماعت، جلسه ۳۶، قاعده فراغ)	...ولی اگر بداند که موقع وضو ملتفت آن مانع نبوده، باید دوباره وضو بگیرد. (تحریرالوسیلة، شرائط الوضوء، م ۱۲)
۲۹	اگر در بعضی از اعضای وضو مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می‌رسد و گاهی نمی‌رسد، و انسان بعد از وضو شک کند که آب زیر آن رسیده یا نه، وضویش صحیح است. (جلسه ۳۶، قاعده فراغ)	...چنانچه بداند موقع وضو ملتفت رسیدن آب به زیر آن نبوده، باید دوباره وضو بگیرد. (تحریرالوسیلة، شرائط الوضوء، م ۱۲)
۳۰	اگر پس از وضو چیزی را در اعضای وضو ببیند که مانع از رسیدن آب است، چنانچه نداند که آن مانع هنگام وضو گرفتن وجود داشته یا بعد ایجاد شده وضوی او صحیح است. (جلسه ۳۶، قاعده فراغ)	...ولی اگر بداند که در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب آن است که دوباره وضو بگیرد. (تحریرالوسیلة، شرائط الوضوء، م ۱۲)
۳۱	بِهتر است از مس اسماء جلاله و اسامی انبیاء و معصومین علیهم السلام و القاب و کنیه آنها بدون وضو اجتناب شود. (استفتاء، ۱۰۱)	کسی که وضو ندارد حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد، مسّ نماید. و همچنین است بنا بر احتیاط واجب مسّ اسم مبارک پیغمبر و امام و حضرت زهرا (علیهم السلام). (توضیح المسائل، م ۳۱۹)
32	اگر در اعضای وضو زخم یا شکستگی باشد و روی آن باز باشد و شستن برای آن مضر باشد باید اطراف آن را بشوید و احتیاط آن است که اگر کشیدن دست تَر بر آن ضرر ندارد، دست تَر روی آن بکشد. (استفتاء، ۷۹)	...اگر اطراف آن را بشوید کافی است، ولی چنانچه کشیدن دست تَر بر آن ضرر ندارد بهتر آن است که دست تَر بر آن بکشد و بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تَر را روی پارچه هم بکشد. (توضیح المسائل، م ۳۲۵)
33	اگر محل مسح زخم است و نمی‌تواند روی آن دست تَر بکشد باید به جای وضو تیمّم کند، ولی در صورتی که می‌تواند پارچه‌ای روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد احتیاط آن است که علاوه بر تیمّم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد. (استفتاء، ۸۰ و اجوبة الاستفتائات، س ۱۳۶)	...چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و بنا بر احتیاط مستحب تیمّم هم بنماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد باید به جای وضو تیمّم کند و بهتر است يك وضوی بدون مسح هم بگیرد. (توضیح المسائل، م ۳۲۶)

34	خوردن و آشامیدن در ظرفی که از طلا یا نقره ساخته شده، حرام است لیکن نگهداشتن آن یا استفاده‌های دیگر از آن - غیر از خوردن و آشامیدن- حرام نیست. (استفتا، ۴۰)	به کار بردن ظرف طلا و نقره در خوردن و آشامیدن و دیگر موارد از قبیل وضو گرفتن، غسل نمودن و غیر این‌ها حرام است، ولی نگهداشتن و استعمال آن‌ها در زینت اطاق حرام نمی‌باشد. (تحریرالوسیلة، القول فی الاوانی، م ۲)
----	--	---

مسائل اختصاصی وضو (مواردی که طبق نظر مقام معظم رهبری می باشد و نظری از حضرت امام ره در این خصوص یافت نشد)

۱	بنابر احتیاط واجب جایز نیست که در بین وضو، آن را رها کند و دوباره بدون فوت موالات وضوی جدید بگیرد. (استفتا، ۶)
۲	جایز نیست در اعضای وضو یا غسل عمداً و بدون ضرورت مانعی را ایجاد کرد که برداشتن آن یا ممکن نیست و یا موجب ضرر یا مشقت زیاد است؛ مانند کاشت ناخن یا کاشت مژه و اگر چنین کند و مانع را نتواند برطرف کند معصیت کرده و باید علاوه بر وضو یا غسل جبیره، تیمم نیز انجام دهد و بعد از برداشتن ناخن بنا بر احتیاط واجب قضای نمازها را نیز بخواند. (استفتائات جدید)

غسل

35	غسل را به دو گونه می شود انجام داد: اول اینکه با ترتیب مخصوصی بدن را بشوید، بدین ترتیب که ابتدا سر و گردن را بشوید، و بعد بقیه بدن را و احتیاط (واجب) آن است که پس از سر و گردن، ابتدا تمام نیمه راست بدن و سپس تمام نیمه چپ بدن را بشوید. (استفتا، ۸۴)	در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست، بعد طرف چپ بدن را بشوید. (تحریر، القول فی واجبات الغسل، الثالث)
36	غسل ارتماسی آن است که با نیت غسل تمام بدن را یکباره در آب فرو ببرد به طوری که آب به همه جای بدن برسد. (استفتا، ۸۴)	ظاهر این است که غسل ارتماسی با فرو رفتن تدریجی در آب حاصل می شود و احتیاط (واجب) آن است که تمام بدن در یک لحظه زیر آب باشد. (تحریر، واجبات الغسل، م ۶)
37	از جمله کارهایی که بر جنب حرام است، رساندن جائی از بدن به خط قرآن یا نام مبارک خداوند متعال و خواندن خصوص آیات سجده* این سوره‌ها است، ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد. (استفتا، ۸۹ و اجوبة الاستفتائات، س ۱۹۹)	از جمله کارهایی که بر جنب حرام است، رساندن جائی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا، و بنابر احتیاط واجب اسامی مبارکه پیامبران و امامان (علیهم السلام)، و خواندن سوره‌هایی از قرآن است که سجده واجب دارد، حتی گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» به قصد خواندن یکی از این چهار سوره، حرام است. (تحریرالوسیلة، القول فی احکام الجنب)
38	تعیین سن یائسگی محل تأمل و احتیاط است؛ بانوان می‌توانند در این مسأله به مجتهد جامع‌الشرایط دیگر مراجعه نمایند. (اجوبة الاستفتائات، س ۲۱۶)	زن‌های سیده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می‌شوند یعنی خون حیض نمی‌بینند و زن‌هایی که سیده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می‌شوند. (تحریرالوسیلة، فصل فی الحيض)
39	روز یعنی از اول طلوع شمس تا هنگام غروب شمس. (درس نماز مسافر، ج ۲۵۷)	مقصود از «روز»، ما بین طلوع فجر و غروب آفتاب است. (تحریر، فصل فی حیض، م ۱۰)

احکام میت

40	شایسته است که شخص مسلمان را در حال احتضار به پشت و به سمت قبله بخوابانند، به طوری که کف پای او به جانب قبله باشد. بسیاری از فقها این عمل را بر خود محتضر - در صورتی که قادر باشد - و بر دیگران واجب دانسته‌اند و احتیاط در انجام آن ترك نشود. (استفتا، ۱۰۵ و اجوبة الاستفتائات، س ۲۵۳)	مسلمانی را که محتضر است؛ یعنی در حال جان دادن می‌باشد - مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک - باید به پشت بخوابانند به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد. (تحریرالوسیلة، فصل فی احکام الاموات، م ۲)
41	غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان، بر هر مکلفی واجب است.	غسل و کفن و نماز و دفن مسلمانان دوازده امامی بر هر مکلفی واجب است و بنابر احتیاط واجب حکم مسلمانی هم که دوازده

	(استفتا، ۱۰۶)	امامی نیست همین طور است. (تحریرالوسیله، القول فی غسل المیت)
42	کسی که میّت را غسل می دهد، باید مسلمان دوازده امامی و بالغ و عاقل باشد و مسائل غسل را بداند. (استفتا، ۱۱۰)	کسی که میّت را غسل می دهد، بنابر احتیاط واجب بالغ باشد. (تحریرالوسیله، القول فی غسل المیت، م ۱۳)
43	میّت مسلمان را باید با سه قطعه پارچه کفن کنند، اول لنگ که به کمر و پای او پیچیده می شود، دوم پیراهن که از سر شانه تا ساق یا را از جلو و پشت می پوشاند و سوم پوشش سرتاسری که باید از بالای سر تا پایین پا را بپوشاند به طوری که بستن دو سر آن میسر باشد و پهنای آن به قدری باشد که دو طرف آن روی هم گذاشته شود. (استفتا، ۱۱۷)	میّت مسلمان را باید با سه پارچه که آن ها را لنگ و پیراهن و سرتاسری می گویند کفن نمایند. لنگ باید از ناف تا زانو، اطراف بدن را بپوشاند و بهتر آن است که از سینه تا روی پا برسد و بنا بر احتیاط واجب پیراهن باید از سر شانه تا نصف ساق یا، تمام بدن را بپوشاند، و درازای سرتاسری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد، و پهنای آن باید به اندازه ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید. (تحریرالوسیله، القول فی تکفین المیت)
44	دست زدن به عضوی که از بدن شخص زنده جدا شده است، <u>غسل ندارد</u> . (استفتا، ۱۰۳)	اگر از بدن زنده قسمتی که دارای استخوان است جدا شود و پیش از آن که قسمت جدا شده را غسل دهند، انسان آن را مَسّ نماید، باید غسل مسّ میت کند. ولی اگر قسمتی که جدا شده استخوان نداشته باشد برای مسّ آن غسل واجب نیست. (تحریرالوسیله، فصل فی غسل مسّ المیت، م ۴)

تیمم

45	تیمم به این ترتیب است: ۱. نیت از ابتدا تا انتهای تیمم؛ ۲. زدن کف تمام هر دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است؛ ۳. کشیدن کف هر دو دست با هم بر تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی؛ ۴. کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست و کف دست راست بر تمام پشت دست چپ؛ ۵. بنابر احتیاط واجب زدن بار دیگر دستها بر آنچه که تیمم بر آن صحیح است و کشیدن کف دست چپ را بر پشت دست راست و کف دست راست را بر پشت دست چپ. (استفتا، ۱۳۶ و اجوبة الاستفتائات، س ۲۰۹)	در تیمم چهار چیز واجب است: اول: نیت. دوم: زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم به آن صحیح است. سوم: کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می روید، تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید دستها روی ابروها هم کشیده شود. چهارم: کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ. (تحریرالوسیله، القول فی کیفیت التیمم، م ۱)
46	احتیاط آن است که در صورت امکان، پیشانی و پشت دستها پاک باشد و اگر نتواند محل تیمم را تطهیر کند، بدون آن تیمم کند، هر چند بعید نیست که طهارت در هر صورت شرط نباشد. (استفتا، ۱۴۰ و اجوبة الاستفتائات، س ۲۱۱)	در تیمم باید پیشانی و کف دستها و پشت دستها پاک باشد و اگر کف دست نجس است و نتواند آن را آب بکشد، باید با همان کف دست نجس تیمم کند. (تحریرالوسیله، القول فیما يعتبر فی التیمم، م ۱ و توضیح المسائل، م ۷۰۶)
47	تیمم بر هر آنچه از زمین محسوب شود؛ مانند سنگ گچ و سنگ آهک، صحیح است؛ و بعید نیست تیمم بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آنها هم صحیح باشد.	تیمم بر سنگ گچ و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگها صحیح است ولی تیمم بر جواهر، مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل می باشد و احتیاط واجب آن است که با بودن خاک یا چیز

<p>دیگری که تیمم بر آن صحیح است، به گچ و آهک بخته هم تیمم نکند.</p> <p>(تحریرالوسیله، القول فیما یتیمم به، م ۳)</p>	<p>تیمم بر اشیاء معدنی که جزء زمین محسوب نمی شود مانند: طلا و نقره و امثال آن صحیح نیست ولی تیمم بر سنگهای مرغوبی که عرفاً به آن سنگ معدنی گفته می شود مانند مرمر و غیره صحیح است.</p> <p>تیمم بر سیمان و موزائیک اشکال ندارد، اگرچه احوط ترك تیمم بر سیمان و موزائیک است.</p> <p>(استفتا ۱۳۱ و ۱۳۲ و اجوبة الاستفتائات، س ۲۱۰ و ۴۸۹)</p>
<p>اگر بدل از غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می کند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند، باید وضو بگیرد، و اگر نمی تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمم نماید.</p> <p>(تحریرالوسیله، القول فی احکام التیمم، م ۵)</p>	<p>کسی که تیمم بدل از غسل کرد اگر حدث اصغر از او سرزند؛ مثلاً بول کند، برای نمازهای بعد در صورتی که هنوز نمی تواند غسل کند، بنا بر احتیاط واجب باید بار دیگر تیمم بدل از غسل کند و وضو هم بگیرد.</p> <p>(استفتا، ۱۴۷)</p>
<p>...نماز ساقط است، ولی احتیاط مستحب آن است که نماز را در وقت بدون طهارت بخواند و بنا بر احتیاط واجب قضای آن را نیز به جا آورد.</p> <p>(تحریرالوسیله، القول فیما یتیمم به، ص ۹۷، م ۷)</p>	<p>اگر انسان نتواند برای نماز وضو بگیرد و تیمم هم ممکن نباشد، بنا بر احتیاط باید نماز را در وقت، بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.</p> <p>(استفتا، ۱۳۳ و اجوبة الاستفتائات، س ۲۱۲)</p>
<p>...اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.</p> <p>(توضیح المسائل، م ۶۷۲)</p>	<p>اگر کسی به تصور این که آب برای او ضرر دارد، تیمم کند و پیش از آن که با این تیمم نماز بخواند بفهمد که ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر بعد از آن که با این تیمم نماز خواند فهمید که آب ضرر نداشته است بنا بر احتیاط واجب باید وضو بگیرد یا غسل کند و دوباره نماز را به جا آورد.</p> <p>(استفتا، ۱۲۹)</p>

وقت نماز

<p>آخر وقت نماز عشاء نصف شب است و احتیاط واجب آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کند.</p> <p>(عروة الوثقی، الصلاة، اوقات الیومیة، م ۱)</p>	<p>نیمه شب (برای نماز مغرب و عشا) نصف فاصله بین غروب آفتاب تا هنگام فجر صادق است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۱۲)</p>
<p>احتیاط لازم در شبهای مهتاب آن است که برای نماز صبح صبر کند تا سفیده صبح در افق ظاهر شود و بر روشنائی مهتاب غلبه کند بلکه خالی از وجه نیست.</p> <p>(استفتائات موجود در پایان توضیح المسائل، س ۵)</p>	<p>در تحقق طلوع فجر (ابتدای وقت فریضة صبح) فرقی بین شبهای مهتابی و غیرمهتابی نیست؛ هر چند بهتر است نمازگزار در شبهای مهتابی صبر کند تا سفیده صبح بر روشنائی مهتاب غلبه کند و سپس نماز بخواند. با توجه به اینکه تشخیص دقیق طلوع فجر سخت است، مقتضی است برای رعایت احتیاط، همزمان با شروع اذان صبح از رسانه ها برای روزه امساک نمود و حدود ده دقیقه بعد از شروع اذان از رسانه ها، نماز صبح خوانده شود.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۵ و پاورقی م ۴ و ۷۸۶)</p>
<p>وقت مخصوص نماز عصر به مقدار ادای این نماز تا مغرب است.</p> <p>(تحریرالوسیله، الصلاة، اوقات صلوات الیومیة، م ۶)</p>	<p>وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر به غروب آفتاب وقت مانده باشد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۸)</p>
<p>وقتی انسان می تواند مشغول نماز شود، که یقین کند وقت داخل شده است، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند. ولی</p>	<p>برای خواندن نماز، مکلف باید یقین یا اطمینان کند که وقت داخل شده است یا دو مرد عادل خبر دهند که</p>

<p>وقت داخل شده است و یا مؤذن مورد وثوق و وقت شناس اذان بگوید.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۱۸)</p>	<p>اذان مؤذن هر چند عادل و موثق و وقت شناس باشد، بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی کند.</p> <p>(تحریر الوسیلة، الصلاة، اوقات صلوات الیومیة، م ۱۶)</p>
<p>اگر به تصور اینکه نماز ظهر را خوانده است به نیت نماز عصر مشغول نماز شود و در بین نماز متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده، در صورتی که در وقت مخصوص نماز ظهر باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند ولی بعداً هر دو نماز (ظهر و عصر) را به ترتیب به جا آورد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۲۹)</p>	<p>...باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عصر را بخواند.</p> <p>(تحریر الوسیلة، احکام الاوقات، م ۸)</p>
<p>هرگاه به تصور اینکه نماز مغرب را خوانده، مشغول نماز عشا شود و بین نماز بفهمد که اشتباه کرده، اگر به رکوع رکعت چهارم رفته باشد، بنا بر احتیاط باید نماز را تمام کند، سپس نماز مغرب و عشاء را به ترتیب بخواند.</p> <p>همچنین اگر در وقت مخصوص نماز مغرب باشد، و وارد رکوع رکعت چهارم نشده است، احتیاط واجب آن است که نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعداً هر دو نماز را به ترتیب به جا آورد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۳۰)</p>	<p>اگر پیش از خواندن نماز مغرب، سهواً مشغول نماز عشا شود و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده، اگر به رکوع رکعت چهارم رفته باشد باید نماز را تمام کند، بعد نماز مغرب را بخواند؛ اگرچه احوط آن است که بعد از نماز مغرب، عشاء را دوباره بخواند و اگر وارد رکوع رکعت چهارم نشده باشد باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند.</p> <p>(تحریر الوسیلة، احکام الاوقات، م ۸)</p>

قبله

<p>کسی که برای یافتن جهت قبله هیچ راهی ندارد و گمانش هم به هیچ طرف نمی رود، بنا بر احتیاط واجب باید به چهار طرف نماز بخواند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۴۵)</p>	<p>...باید چهار نماز به چهار طرف بخواند.</p> <p>(تحریر الوسیلة، المقدمة الثانية في القبلة، م ۲)</p>
---	---

پوشش

<p>کسی به جهت ندانستن حکم شرعی، پوشش لازم را در نماز مراعات نکرده است، نمازش باطل است، مگر اینکه غافل یا جاهل قاصر باشد؛ یعنی حتی احتمال باطل بودن نماز بدون پوشش را نمی داده است.</p> <p>(درس خارج نماز جماعت، جلسه ۳۲)</p>	<p>اگر انسان عمداً در نماز عورتش را نپوشاند، نمازش باطل است. بلکه اگر از روی ندانستن مسأله هم باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.</p> <p>(توضیح المسائل، م ۷۹۱)</p>
<p>اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۸۰)</p>	<p>...ولی اگر خودش آن لباس را غصب کرده باشد و بعداً فراموش کرده و با آن نماز خوانده، به احتیاط واجب باید آن نماز را اعاده کند.</p> <p>(تحریر الوسیلة، الصلاة، الستر و الساتر، م ۸)</p>
<p>اگر با مالی که خمس آن را نداده است، لباس بخرد نماز خواندن در آن لباس صحیح است ولی تاخیر در پرداخت آن شرعاً جایز نیست.</p> <p>(استفتاء ۱۸۲)</p>	<p>اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است و همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.</p> <p>(تحریر الوسیلة، الصلاة، الستر و الساتر، م ۹ و توضیح المسائل، م ۸۲۰)</p>

<p>اگر سر سوزنی خون حیض یا نفاس در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است و بنا بر احتیاط واجب باید خون استحاضه، در بدن یا لباس نمازگزار نباشد، ولی خون‌های دیگر مانند خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت و خون سگ و خوک و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت اگر کمتر از درهم باشد، (که تقریباً به اندازه یک اشرفی می‌شود) نماز خواندن با آن اشکال ندارد. هر چند احتیاط (مستحب) آن است که از خون سگ و خوک و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت اجتناب کند.</p> <p>(تحریر، النجاسات، ما یغفی عنه فی الصلاة، الثانی)</p>	<p>صحت نماز با خون کمتر از بند انگشت اشاره، چند شرط دارد:</p> <p>۱. اگر اندکی از خون حیض هم بر بدن یا لباس نمازگزار باشد نمازش باطل است؛ و بنا بر احتیاط واجب، خون نفاس و استحاضه نیز همین حکم را دارد.</p> <p>۲. خون حیوان نجس العین (سگ و خوک) و حیوان حرام گوشت و مردار و انسان کافر نباشد.</p> <p>۳. ...</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۷۱)</p>
<p>زینت کردن به طلا، مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست، برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است.</p> <p>(تحریر الوسیله، الصلاة، الستر والساتر، الرابع)</p>	<p>استفاده مردان از زنجیر و انگشتر طلا و نیز ساعت مچی طلا اگرچه برای مدتی کوتاه (مانند لحظه عقد) باشد، حرام است؛ هر چند به قصد زینت نباشد و از دیگران هم مخفی کند و بنا بر احتیاط واجب نماز نیز با آن باطل است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۹۰)</p>
<p>محکم کردن دندانها با طلا (مثلاً پر کردن با طلا) بلکه روکش طلا به آنها نمودن و یا از طلا دندان مصنوعی گذاشتن در نماز بلکه در غیر نماز هم اشکال ندارد اما در مورد دندانهای مثل ثنایا که پیدا هستند اگر قصد تزیین و زیبایی شود، خالی از اشکال نیست. و بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب شود.</p> <p>(تحریر الوسیله، فی الستر والساتر، م ۱۴)</p>	<p>در مورد زینت کردن مردان به طلا هرچایی که لبس به کار نرفته است حرام نیست. مثل دکمه طلا، یا دندان طلا که در مورد آن لبس (پوشیدن) به کار نمی‌رود، اشکال ندارد، اما دستکش زربفت یا خاتم و دستبند طلا که در مورد آنها لبس به کار می‌رود، اشکال دارد.</p> <p>(مکاسب محرمة، درس ۱۴۳)</p>
<p>لباس مرد نمازگزار نباید ابریشم خالص باشد و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است و چیزی که نماز در آن تمام نمی‌شود، مانند بند شلوار و عرقچین نیز به احتیاط واجب نباید از حریر خالص باشد.</p> <p>(تحریر الوسیله، الصلاة، الستر والساتر، الخامس)</p>	<p>لباس نمازگزار مرد (حتی چیزهایی که عورت را نمی‌پوشاند مانند عرقچین، جوراب و مانند آن) اگر از ابریشم خالص باشد، نماز با آن باطل است و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۹۴)</p>

مکان نمازگزار

<p>... مگر آنکه خودش غصب کرده باشد که در این صورت به احتیاط واجب نمازش باطل است.</p> <p>(تحریر الوسیله، الصلاة، المكان، م ۱)</p>	<p>اگر در مکانی که نمی‌داند یا فراموش کرده غصبی است نماز بخواند، نمازش صحیح است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۱۰۲)</p>
<p>اگر با پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک حرام و نمازش هم در آن باطل است، و همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع خریدن قصدش این باشد که از مالی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.</p> <p>(تحریر الوسیله، الصلاة، المكان، م ۴ و توضیح المسائل، م ۸۷۳)</p>	<p>اگر با پولی که خمس آن را نداده است، ملکی بخرد نماز در آن صحیح است ولی تاخیر در پرداخت آن شرعاً جایز نیست.</p> <p>(استفتاء ۲۰۳)</p>
<p>در خانه کعبه و یر یام آن نماز واجب خواندن مکروه است ولی در حال ناچاری مانع ندارد.</p> <p>(عروة الوثقی، مکان لمصلی، م ۳۰ با حاشیه امام)</p>	<p>به جا آوردن نماز واجب در داخل خانه کعبه مکروه است ولی احتیاط واجب آن است که بر یام کعبه نماز نخواند.</p> <p>(استفتاء، ۲۱۰)</p>
<p>اگر مرد و زن در نماز محاذی هم باشند یا زن جلوتر باشد، بنا بر اقوی نماز هر دو صحیح است لکن اگر با هم نماز را شروع کرده</p>	<p>بنا بر احتیاط واجب باید میان زن و مرد در حال نماز (در غیر مسجد الحرام) حداقل یک وجب فاصله باشد و در</p>

<p>باشند، این عمل برای هر دو کراهت دارد و اگر یکی زودتر نماز را شروع کرده باشد، کراهت برای فرد دوم است و احتیاط مستحب آن است که زن و مرد محاذی یا زن مقدم بر مرد نباشد و فرقی بین بین محرم و غیر محرم و بین بالغ و غیربالغ نیست، بلکه برای زن و شوهر هم کراهت دارد.</p> <p>(تحریرالوسیلة، الصلاة، المكان، م ۸)</p>	<p>این صورت اگر زن و مرد محاذی یکدیگر بایستند یا زن جلوتر از مرد بایستد، نماز هر دو صحیح است و فرقی نمی‌کند که زن و مرد محرم باشند یا نامحرم.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۱۱۲)</p>
<p>نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است باید فوراً نجاست آن را برطرف کند و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند، و اگر نجس شود نجاستش را برطرف نمایند.</p> <p>(تحریرالوسیلة، احکام النجاسات، م ۱)</p>	<p>نجس کردن زمین، سقف، دیوار و بام مسجد حرام است و اگر نجس شود، واجب است فوراً آن را تطهیر کنند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۱۱۵)</p>
<p>...احتیاط واجب آن است که اگر بی احتیاطی هم نباشد، آن را <u>تطهیر کنند</u>.</p> <p>(تحریر، احکام نجاسات، م ۱ و عروة الوثقی، النجاسات، احکام المساجد، م ۲۰)</p>	<p>نجس کردن حرم امامان (علیهم السلام)، حرام است و در صورت نجس شدن، چنانچه نجس ماندن مکان بی احتیاطی محسوب شود، تطهیر آن واجب است و اگر بی احتیاطی هم نباشد، تطهیر آن عمل نیکویی است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۱۱۷)</p>
<p>اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن خانه و مانند آن بسازند که دیگر به آن مسجد نگویند، بنا بر احتیاط واجب، نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.</p> <p>(تحریرالوسیلة، احکام النجاسات، م ۳)</p>	<p>مسجدی که غصب یا خراب شده و به جای آن بنای دیگری ساخته شده و یا به خاطر متروک ماندن، آثار مسجد بودن از آن محو شده است و امیدی هم به دوباره سازی آن نیست، معلوم نیست که نجس کردن آن حرام باشد، گرچه احتیاط مستحب آن است که آن را نجس نکنند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۱۲۲)</p>
<p>بنا بر احتیاط واجب مسجد را به طلا نباید زینت نمایند.</p> <p>(عروة الوثقی، فی بعض احکام المسجد، الاول)</p>	<p>زینت کردن مسجد به طلا چنانچه اسراف حساب شود، حرام است و در غیر این صورت مکروه است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۱۱۸)</p>

اذان و اقامه

<p>مستحب است بین اذان و اقامه، <u>یک قدم بردارد</u> یا قدری بنشیند یا سجده کند یا ذکر بگوید یا <u>دعا بخواند</u> یا قدری ساکت باشد یا حرفی بزند و یا دو رکعت نماز بخواند. ولی حرف زدن بین اذان و اقامه نماز صحیح نیست و نماز خواندن بین اذان و اقامه نماز مغرب را به امید ثواب بیاورد.</p> <p>(عروة الوثقی، اذان و اقامه، فصل یستحب فیهما امور: العاشر)</p>	<p>مستحب است بین اذان و اقامه قدری بنشیند یا سجده کند یا تسبیح بگوید یا قدری ساکت باشد یا حرفی بزند یا دو رکعت نماز بخواند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۱۳۷)</p>
---	---

نیت

<p>اگر قسمتی از نماز را هم برای غیر خدا به جا آورد <u>نماز باطل است</u>، چه آن قسمت واجب باشد؛ مثل حمد و سوره، چه مستحب باشد؛ مانند قنوت. (توضیح المسائل، م ۹۴۷)</p>	<p>اگر ریا در بعضی از اجزای نماز باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره انجام دهد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۱۴۵)</p>
--	--

قیام

<p>کسی که نمی‌تواند نشسته نماز بخواند باید در حال نماز به پهلوئی راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد. (تحریرالوسیلة، الصلاة، القیام، م ۵)</p>	<p>کسی که توانایی خواندن نماز در حال نشسته را ندارد، باید خوابیده نماز بخواند و بنابر احتیاط واجب اگر می‌تواند، به پهلوئی راست بخوابد. (رساله نماز و روزه، م ۱۶۰)</p>	۷۵
<p>کسی که به خاطر عذری نمی‌تواند بایستد چنانچه گمان یا حتی احتمال برطرف شدن عذر را تا آخر وقت بدهد، بنابر احتیاط تاخیر بیاندازد هرچند جایز است اول وقت نماز را بخواند، به-خصوص اگر فقط احتمال برطرف شدن عذر را می‌دهد. (عروة الوثقی، الصلاة، القیام، حاشیه م ۲۲)</p>	<p>کسی که به خاطر عذری نمی‌تواند بایستد ولی احتمال می‌دهد که در آخر وقت بتواند نماز خود را ایستاده بخواند، بنابر احتیاط واجب باید تا آن هنگام صبر کند ولی اگر اول وقت به خاطر عذری نماز را نشسته خواند و تا آخر وقت عذر او برطرف نشد، نمازی که خوانده، صحیح است و اعاده لازم نیست. (رساله نماز و روزه، م ۱۶۲)</p>	۷۶

قرائت

<p>در رکعت اول و دوم از نمازهای واجب، خواندن سوره حمد و یک سوره کامل بعد از آن واجب است. (تحریرالوسیلة، الصلاة، القرائة، م ۱)</p>	<p>در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، باید ابتدا سوره حمد و پس از آن بنابر احتیاط واجب، یک سوره کامل خوانده شود. (رساله نماز و روزه، م ۱۷۲)</p>	۷۷
<p>تعیین سوره هنگام گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» واجب است و اگر سوره‌ای را تعیین کرده و «بسم الله» بگوید، سپس آن سوره را رها کند، باید برای سوره دیگری که می‌خواهد بخواند، مجدداً «بسم الله...» را بگوید. (تحریرالوسیلة، الصلاة، القراءه، م ۷)</p>	<p>سوال: کسی که از ابتدا به حسب عادت قصد خواندن سوره فاتحه و اخلاص را داشته و «بسم الله الرحمن الرحيم» را بگوید ولی سهواً سوره را تعیین نکند، آیا باید از اول، سوره معینی را قصد کند و بعد «بسم الله الرحمن الرحيم» را بخواند؟ پاسخ: اعاده «بسم الله الرحمن الرحيم» واجب نیست، بلکه می‌تواند برای خواندن هر سوره‌ای به آن اکتفا کند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۴۶۶)</p>	۷۸
<p>در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره جمعه و منافقین، یکی از این دو سوره را بخواند، تا به نصف نرسیده، می‌تواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند. (تحریرالوسیلة، الصلاة، قرائة، م ۸)</p>	<p>اگر بعد از حمد سوره «قل هو الله احد» یا «قل یا ایها الکافرون» را شروع کند، نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگری بخواند ولی در نماز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره جمعه و منافقین یکی از آن دو سوره را بخواند، می‌تواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند. (رساله نماز و روزه، م ۱۸۰)</p>	۷۹
<p>...ولی اگر نامحرم صدایش را می‌شنود، بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند. (عروة الوثقی، الصلاة، فی احکام القرائة، م ۲۵)</p>	<p>زن می‌تواند حمد و سوره نمازهای صبح، مغرب و عشاء را بلند یا آهسته بخواند ولی اگر نامحرم صدای او را می‌شنود، بهتر است آهسته بخواند. (رساله نماز و روزه، م ۱۹۱)</p>	۸۰
<p>...اگر اشتهاً مشغول خواندن سوره‌ای شود که سجده واجب دارد، چنانچه پیش از رسیدن به آیه سجده بفهمد، باید آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند و اگر بعد از خواندن آیه</p>	<p>در نماز واجب، خواندن سوره‌هایی که آیه سجده واجب دارند، جایز نیست و اگر عمداً یا سهواً یکی از آن سوره‌ها را بخواند و به آیه سجده برسد، بنابر احتیاط واجب باید سجده تلاوت را به جا آورد و برخیزد و اگر سوره</p>	۸۱

<p>سجده بفهمد باید در بین نماز با اشاره، سجده آن را به جا آورد و به همان سوره که خوانده اکتفا نماید. (تحریرالوسیلة، الصلاة، القرائة، م ۴)</p>	<p>تمام نشده، آن را تمام کند و نماز را به آخر برساند و سپس نماز را اعاده کند و اگر قبل از رسیدن به آیه سجده متوجه شود، احتیاط واجب آن است که سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند و پس از نماز آن را اعاده نماید. (رساله نماز و روزه، م ۱۷۸)</p>
<p>اگر در رکوع رکعت سوم یا چهارم یا در حال رفتن به رکوع شك کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند. (توضیح المسائل، م ۱۰۱۵)</p>	<p>اگر در رکوع رکعت سوم و چهارم شك کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند ولی اگر در هنگام رفتن به رکوع درحالی که هنوز به حد رکوع نرسیده است، شك کند، بنا بر احتیاط واجب باید برگردد و حمد یا تسبیحات را بخواند. (رساله نماز و روزه، م ۱۸۹)</p>
<p>اگر [چند بار گفتن اذکار نماز] به وسواس برسد و باز هم بگوید، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند. (توضیح المسائل، م ۱۰۱۶)</p>	<p>اگر چنانچه وسواس، مستلزم گناهی بود، مثلاً نماز را باطل کند، از این جهت حرام می شود. مثلاً کسی صد مرتبه بگوید: ایّاک نعبد نعبد، که موالات از بین برود موجب بطلان نماز است. (درس خارج نماز جماعت، جلسه ۸)</p>

رکوع

<p>اگر به اندازه رکوع خم شود، ولی دست‌ها را به زانو نگذارد اشکال ندارد؛ هرچند سزاوار است که احتیاط کند به گذاشتن دست‌ها بر زانوها. (عروة الوثقی، الصلاة، الركوع، حاشیة م ۱)</p>	<p>احتیاط واجب آن است که در حال رکوع، دست‌ها بر زانو گذاشته شود. (رساله نماز و روزه، م ۲۱۳)</p>
<p>...بعد از آرام گرفتن بدن، بنا بر احتیاط واجب دوباره ذکر را بگوید. (عروة الوثقی، الصلاة، الركوع، حاشیه م ۲۱)</p>	<p>اگر هنگام گفتن ذکر واجب رکوع، بدن بی اختیار حرکت کند به گونه‌ای که طمأنینه واجب از بین برود، باید پس از آرام گرفتن بدن، ذکر واجب را تکرار کرد. (رساله نماز و روزه، م ۲۲۶)</p>
<p>انسان هر ذکری در رکوع بگوید کافی است، ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد. (تحریرالوسیلة، الصلاة، الركوع، م ۷)</p>	<p>در رکوع باید ذکر گفته شود. ذکر واجب رکوع یک بار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» یا سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» است و اگر به جای آن، ذکر دیگری از قبیل «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و مانند آن (غیر از ذکر مخصوص سجده) به همان مقدار گفته شود کافی است. (رساله نماز و روزه، م ۲۲۱)</p>
<p>مکروه است در نماز چشمها را هم بگذارد. (عروة الوثقی، فصل فی المکروهات فی الصلاة)</p>	<p>بستن چشم‌ها در نماز اشکال ندارد و نماز را باطل نمی کند، گرچه در غیر رکوع مکروه است. (رساله نماز و روزه، م ۳۳۹)</p>
<p>...بنا بر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را به جا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند. (تحریرالوسیلة، الصلاة، الركوع، م ۵)</p>	<p>اگر در حال سجده اول یا بعد از آن و پیش از وارد شدن در سجده دوم یادش بیاید که رکوع نکرده است، باید برخیزد و پس از ایستادن، رکوع کند و پس از آن دو سجده را به جا آورد و نماز را تمام کند و بعد از نماز بنا بر احتیاط مستحب دو سجده سهو برای سجده زیادی انجام دهد. (رساله نماز و روزه، م ۲۳۳)</p>

سجده

<p>...بنابر احتیاط واجب باید سر انگشت‌ها را (نه ظاهر یا باطن انگشت) به زمین بگذارد . (تحریرالوسیلة، الصلاة، السجود، برگرفته از م ۱)</p>	<p>در سجده باید علاوه بر پیشانی، کف دو دست، سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ یاها نیز بر زمین گذاشته شود. (رساله نماز و روزه، م ۲۳۷)</p>	<p>۸۹</p>
<p>در سجده باید به اندازه‌ای خم شود که جای پیشانی با جای موقوف او از چهار انگشت بسته بلندتر یا پایین‌تر نباشد. منظور از موقوف زانوها و بنابر احتیاط (واجب) دو انگشت بزرگ یاها است. (تحریرالوسیلة، الصلاة، السجود، م ۲ و ۳)</p>	<p>در حال سجده باید جای پیشانی از جای زانوها و سرانگشتان یا، بالاتر یا پایین‌تر از چهار انگشت بسته نباشد. (رساله نماز و روزه، م ۲۵۸)</p>	<p>۹۰</p>
<p>در سجده هر ذکری بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد. (تحریرالوسیلة، الصلاة، السجود، م ۲)</p>	<p>ذکر واجب در سجده یک بار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» یا سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» است و اگر به جای آن ذکرهای دیگر، مانند «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ» و مانند آن را (غیر از ذکر مخصوص رکوع) به همان مقدار بگوید، کافی است. (رساله نماز و روزه، م ۲۴۳)</p>	<p>۹۱</p>
<p>انسان هر ذکری در رکوع بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ یا يك مرتبه سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ کمتر نباشد. در سجده هر ذکری بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه سبحان الله یا يك مرتبه سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ کمتر نباشد. (تحریرالوسیلة، الصلاة، الركوع، م ۷ و السجود، م ۲)</p>	<p>اگر ذکرهای رکوع و سجده را به جای یکدیگر بگوید در صورتی که سهواً باشد اشکال ندارد، همچنین است اگر عمداً باشد و به قصد مطلق ذکر خداوند «عزوجل» بگوید، نماز صحیح است. ولی ذکر مخصوص آن را نیز باید بگوید. (رساله نماز و روزه، م ۲۴۴)</p>	<p>۹۲</p>
<p>اگر انسان ناچار شود که در زمین گل نماز بخواند، باید در حالی که ایستاده است، برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند. (تحریرالوسیلة، القول فی ماجوز السجود علیه، م ۱۲)</p>	<p>هرگاه در زمین گل آلود نماز می‌خواند، اگر آلوده شدن بدن و لباس برای او موجب مشقت است، می‌تواند درحالی که ایستاده، برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند. (استفتا، ۳۰۹)</p>	<p>۹۳</p>
<p>اگر پیشانی بی‌اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد، و این یک سجده حساب می‌شود، چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه، و اگر نتواند سر را نگه‌دارد و بی‌اختیار دوباره به جای سجده برسد، روی هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد باید بگوید. (تحریرالوسیلة، السجود، م ۷)</p>	<p>اگر هنگام سجده، پیشانی به محل سجده برخورد کند و بی‌اختیار از زمین بلند شود، باید دوباره پیشانی را بر زمین بگذارد و ذکر سجده را بگوید و روی هم یک سجده به حساب می‌آید. (رساله نماز و روزه، م ۲۵۳)</p>	<p>۹۴</p>
<p>سجده کردن بر چیزهای معدنی مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه باطل است اما سجده کردن بر سنگ‌های معدنی مانند مرمر و سنگ‌های سیاه اشکال ندارد. (عروة الوثقی، مسجد الجبیه من مکان المصلی)</p>	<p>سجده بر سنگ مرمر و دیگر سنگ‌هایی که جهت ساخت یا زینت بنا به کار می‌رود، همچنین بر عقیق، فیروزه، دُر و مانند آن صحیح است؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که بر دسته آخر سجده نکنند. (رساله نماز و روزه، م ۲۶۶)</p>	<p>۹۵</p>
<p>سجده کردن بر برگ چای و نیز بر قهوه جایز نیست. (عروة الوثقی، الصلاة، مسجد الجبیه من مکان المصلی، م ۶)</p>	<p>سجده کردن بر برگ سبز جای بنابر احتیاط واجب صحیح نیست ولی سجده بر برگ درخت قهوه که خود برگ استفاده خوراکی ندارد، صحیح است. (رساله نماز و روزه، م ۲۶۹)</p>	<p>۹۶</p>

سجده بر دواهای خوراکی که از زمین می‌روید، مانند گل بنفشه و گل گاوزبان <u>صحیح نیست</u> . (توضیح المسائل، م ۱۰۷۹)	سجده بر داروهای گیاهی که از زمین می‌روید و فقط برای معالجه بیماری‌ها به کار می‌آید، مانند گل ختمی و گل بنفشه <u>صحیح است</u> . (رساله نماز و روزه، م ۲۷۰)	۹۷
اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مثلاً از کاه ساخته باشند، می‌شود بر آن سجده کرد و <u>سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده اشکال ندارد</u> . (توضیح المسائل، م ۱۰۸۲)	سجده بر کاغذی که از چوب و گیاه (<u>غیر از کتان و پنبه</u>) تهیه می‌شود، <u>صحیح است</u> . (رساله نماز و روزه، م ۲۷۲)	۹۸
اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، یا اگر دارد به واسطه سرما یا گرما زیاد [یا تقیه] و مانند اینها نمی‌تواند بر آن سجده کند، چنانچه لباس او از جنس پنبه یا کتان است <u>یا چیز دیگری از جنس پنبه و کتان دارد، باید بر آن سجده کند و اگر از جنس دیگر است بر همان لباس سجده کند و اگر آن هم نیست باید بر پشت دست و چنانچه آن هم ممکن نیست به چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید</u> . (تحریر الوسیله، الصلاة، ما يجوز السجود علیه، م ۱۳)	اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است، در اختیار ندارد، یا به دلیل سرما یا گرما و مانند آنها نمی‌تواند بر آن سجده کند، چنانچه لباس او از جنس پنبه یا کتان است <u>یا چیز دیگری از جنس پنبه و کتان دارد، باید بر آن سجده کند و احتیاط واجب آن است که تا سجده بر لباسی که از پنبه و کتان است ممکن باشد، بر غیر آن (یعنی غیر از لباسی که از این جنس باشد) سجده نکند و اگر چنین چیزهایی در اختیار ندارد، بنا بر احتیاط واجب بر پشت دست خود سجده کند</u> . (رساله نماز و روزه، م ۲۷۳)	۹۹
...اشکال دارد، بلکه <u>نماز باطل است</u> و باید اعاده کند. (توضیح المسائل، م ۱۰۸۶)	اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد، باید برای سجده دوم مهر را از پیشانی جدا کند و اگر مهر را از پیشانی جدا نکند و به همان حال به سجده دوم برود، <u>اشکال دارد</u> . (رساله نماز و روزه، م ۲۷۶)	۱۰۰
اگر از مثل گرامافون آیه سجده را بشنود <u>لازم نیست سجده نماید</u> . ولی اگر از آلتی که صدای خود انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند. (توضیح المسائل، م ۱۰۹۶)	اگر به آیهی سجده‌ای که از رادیو یا تلویزیون یا ضبط صوت و مانند آن پخش میگردد گوش دهد، <u>سجده واجب می‌شود</u> . (رساله نماز و روزه، م ۲۸۴)	۱۰۱
در سجده واجب قرآن نمی‌شود <u>بر چیزهای خوراکی و یوشاکی سجده کرد</u> . (تحریر الوسیله، الصلاة، سجدة التلاوة، م ۶)	در سجده واجب قرآن باید <u>بر چیزهایی سجده کند که در نماز می‌توان بر آنها سجده کرد</u> . (رساله نماز و روزه، م ۲۸۶)	۱۰۲

مساله اختصاصی در مورد سجده

افراد عاجزی که برای سجده روی صندلی نشسته و روی میز مقابل سجده می‌کنند، این عمل برای آنان سجده محسوب می‌شود و باید کف دست‌ها را روی میز و سر انگشت پاها را روی زمین قرار دهند. (استفتاء ۱۶)	3
---	---

مبطلات نماز

اگر به طور عمد تمام بدن را پشت به قبله یا طرف راست یا چپ قبله یا حتی بین راست و چپ قبله برگرداند به طوری که از رو به قبله بودن خارج شود، نماز باطل میشود، بلکه اگر	اگر عمداً صورت یا بدن خود را از قبله برگرداند، به طوری که بتواند سمت راست و چپ خود را به آسانی	۱۰۳
--	--	-----

<p>تمام بدن را به طوری بگرداند که از بین مشرق و مغرب خارج شود، حتی اگر چه سهواً یا با زور و مانند اینها باشد، نماز را باطل می کند.</p> <p>(تحریر الوسیلة، مبطلات الصلاة، الثالث)</p>	<p>ببیند، نمازش باطل است و اگر سهواً هم این کار را بکند، بنا بر احتیاط واجب نماز باطل است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۳۲۵)</p>
<p>اگر سلام کننده بگوید: «سلام» بدون «علیکم»، باید در جواب یا بگوید: «سلام» و «علیکم» را تقدیر کند و یا بگوید: «سلام علیکم».</p> <p>(عروة الوثقی، مبطلات الصلاة، م ۲۲)</p>	<p>اگر هنگام سلام کردن به نمازگزار به جای «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» از لفظ «سلام» استفاده شود، در صورتی که عرفاً به آن تحیت و سلام گفته شود، جواب دادن واجب است و بنا بر احتیاط به همان صورت هایی که گفته شد، جواب بدهد. [یعنی به گونه ای جواب دهد که کلمه سلام مقدم باشد؛ مثلاً بگوید: "سلام علیکم" یا "السلام علیکم"]</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۳۳۳)</p>
<p>بنا بر احتیاط واجب خوردن و آشامیدن در نماز و لو اندک باشد موجب بطلان نماز می شود؛ اما فرو بردن ریزه های از غذا و مانند آن که در دهان یا لابلائی دندانها باقیمانده، اشکال ندارد، البته احتیاط، آن است که آن را هم فرو نبرد و احتیاط واجب آن است که از نگه داشتن شیرینی در دهان که به تدریج آب شده و از گلو پایین می رود (هر چند کم باشد) اجتناب کند؛ حتی اگر صورت نماز را برهم نزند و با موالات هم منافات نداشته باشد.</p> <p>(تحریر الوسیلة، مبطلات الصلاة، ثامنهما)</p>	<p>خوردن و آشامیدن در حال نماز، نماز را باطل می کند چه کم باشد یا زیاد، ولی فرو دادن خرده های غذا که در گوشه و کنار دهان باقی مانده یا مکیدن شیرینی قند و شکری که اندکی از آن در دهان هست، موجب بطلان نماز نمی شود. همچنین اگر سهواً یا از روی فراموشی چیزی بخورد یا بیاشامد به شرطی که از صورت نماز خارج نشود نماز باطل نمی شود.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۳۴۱)</p>
<p>اگر تکفیر عمداً انجام شود، بنا بر اقوا نماز را باطل می کند ولی اگر سهوی باشد، نماز باطل نیست، هر چند اعاده آن موافق احتیاط است و در حال تقیه اشکالی ندارد.</p> <p>(تحریر الوسیلة، مبطلات الصلاة، ثانیها)</p>	<p>دست به سینه ایستادن در حال نماز (روی هم گذاشتن دستها در جلو بدن) اگر با این قصد همراه باشد که این عمل جزء نماز است، نماز را باطل می کند و احتیاط واجب آن است که بدون این قصد هم آن را انجام ندهد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۳۴۳)</p>

شکایات و سجده سهو

<p>... نمی تواند نماز را به هم بزند، ولی اگر به قدری فکر کند که شك پا برجا شود، به هم زدن نماز مانعی ندارد.</p> <p>(توضیح المسائل، م ۱۱۶۶)</p>	<p>اگر یکی از شك هایی که نماز را باطل می کند، برای نمازگزار پیش آید، بنا بر احتیاط نمی تواند بلافاصله نماز را رها کند؛ بلکه باید قدری فکر کند تا شك پا برجا شود (یعنی یقین یا گمان به يك طرف پیدا نکند) و آنگاه می تواند نماز را رها کند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۳۶۳)</p>
<p>برای سه چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو (به دستوری که بعداً گفته می شود) به جا آورد:</p> <p>اول: آنکه در بین نماز، سهواً حرف بزند؛</p> <p>دوم: آنکه يك سجده را فراموش کند؛</p>	<p>نمازگزار باید در سه مورد، بعد از سلام نماز دو سجده سهو (طبق دستوری که خواهد آمد) به جا آورد:</p> <p>۱. بین نماز، سهواً حرف بزند؛</p> <p>۲. در نماز چهار رکعتی، بعد از سجده دوم، شك کند که چهار رکعت خوانده است یا پنج رکعت؛</p>

<p>سوم: آنکه در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شك کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت. و در دو مورد هم احتیاط واجب آن است که سجده سهو انجام دهد:</p> <p>اول: در جایی که نباید نماز را سلام دهد، مثلاً در رکعت اول سهواً سلام بدهد؛</p> <p>دوم: آنکه تشهد را فراموش کند.</p> <p>(تحریر الوسیلة، الصلاة، سجود السهو، م ۱)</p>	<p>۳. <u>تشهد را فراموش کند.</u></p> <p>در دو مورد هم بنا بر احتیاط واجب باید دو سجده سهو به جا آورد:</p> <p>۴. <u>یک سجده را فراموش کند؛</u></p> <p>۵. در جایی که نباید سلام نماز را بگوید، سهواً سلام دهد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۳۸۸)</p>
<p>...و احتیاط آن است که در هر يك از دو سجده سهو این ذکر مخصوص را بگوید: «بسم الله و بالله و صلى الله على محمد و آل محمد» یا بگوید: «بسم الله و بالله اللهم صل على محمد و آل محمد» یا بگوید: «بسم الله و بالله السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و بركاته». و احتیاط آن است که ذکر آخر را اختیار کند، <u>لکن واجب نبودن ذکر خصوصاً ذکر مخصوص آن، خالی از قوت نیست.</u></p> <p>(تحریر الوسیلة، الصلاة، سجود السهو، م ۵)</p>	<p>برای سجده سهو، باید بعد از سلام نماز، فوراً به نیت سجده سهو، پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بنا بر احتیاط بگوید: «بسم الله و بالله، السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و بركاته» سپس سر از سجده بردارد و دوباره به سجده رود و ذکر را تکرار کند و پس از آن تشهد بخواند و سلام دهد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۳۹۸)</p>

نماز مسافر شرایط قصر شرط اول: مسافت شرعی

<p>مسافت شرعی که موجب قصر نماز می شود حدود ۲۲/۵ کیلومتر که با چهار فرسخ شرعی مساوی است. (یعنی هشت فرسخ حدود ۴۵ کیلومتر می شود.) (استفتائات، ج ۲، س ۱۸۵۶)</p>	<p>مسافت شرعی (هشت فرسخ) که موجب قصر نماز می شود (به حسب تحقیقات انجام شده که موجب اطمینان است)، معادل با ۴۱ کیلومتر می باشد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۴۱۰)</p>
<p>در شهرهایی که از بلاد کبیره هستند، بعید نیست که مبدأ مسافت از منزل باشد.</p> <p>(تحریر الوسیلة، صلاة المسافر، فی شرائط التقصیر، م ۴)</p>	<p>ملاک محاسبه مسافت شرعی فاصله بین آخر شهر مبدأ و ابتدای شهر مقصد است؛ خواه شهر جزو بلاد کبیره باشد خواه نباشد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۴۱۱)</p>
<p>اگر يك عادل خبر دهد که سفر انسان هشت فرسخ است، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه را بگیرد و قضای آن را هم به جا آورد.</p> <p>(تحریر الوسیلة، فی شرائط التقصیر، م ۶)</p>	<p>اگر یک عادل از مسافت شرعی (یا هر موضوع دیگری) خبر دهد، چنانچه خبر او موجب علم یا اطمینان نشود، نمی توان بر اساس آن عمل کرد و باید نماز را تمام خواند.</p> <p>(نماز مسافر جامع، م ۲۳)</p>
<p>...بنا بر اقوا واجب است که در وقت اعاده و در خارج وقت بنا بر احتیاط قضا کند.</p> <p>(تحریر الوسیلة، صلاة المسافر، فی شرائط التقصیر، م ۷)</p>	<p>اگر معتقد است مسافتی را که طی می کند هشت فرسخ نیست و نماز را تمام بخواند، بعد معلوم شود که به مقدار مسافت شرعی است، باید نماز را به صورت قصر در وقت اعاده و در خارج وقت قضا کند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۴۲۸)</p>
<p>در مسافت دایره ای حرکت از مبدأ تا نقطه مقابل آن (نصف دایره)، رفتن حساب می شود، پس اگر در مسافت دایره ای تا نقطه مقابل چهار فرسخ باشد، نماز قصر است؛ هر چند کار فرد قبل از رسیدن به آن نقطه (قبل از نصف دایره) باشد و</p>	<p>اگر مسافت هشت فرسخی به صورت دورانی در خارج شهر و بعد از محدوده حد ترخص باشد، چنانچه مقصد خاصی در این مسیر نداشته و فقط حرکت در مسیر، مقصود باشد؛ مانند اینکه برای کنترل وضعیت</p>

<p>احتیاط مستحب آن است که اگر کارش قبل از رسیدن به نقطه مقابل باشد، جمع بخواند.</p> <p>(تحریر الوسیلة، صلاة المسافر، فی شرائط التقصیر، م ۸)</p>	<p>جاده یا آب بندی کردن خودروی خود، جاده کمر بندی خارج شهر را دور می زند، در این صورت <u>مسافت امتدادی محسوب شده و نماز قصر است.</u></p> <p>در فرض مسأله قبل، <u>اگر مقصد معینی در بین این مسیر داشته باشد؛</u> مانند اینکه در بین مسیر دایره ای، روستایی است که می خواهد به آنجا برود، با اینکه در برگشت، از آن مسیری که آمده بر نمی گردد، بلکه مسیره دایره ای را ادامه می دهد، <u>مسافت تلفیقی است و چنانچه تا آن مقصد (روستا) چهار فرسخ و مجموع رفت و برگشت حداقل هشت فرسخ باشد و یا برگشت به تنهایی به مقدار مسافت باشد، نماز از ابتدا قصر است.</u></p> <p>(نماز مسافر جامع، م ۱۹ و ۲۰)</p>
---	---

شرط دوم و سوم: قصد مسافت و استمرار آن

<p>کسی که در سفر به اختیار دیگری است اگر بداند یا گمان داشته باشد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می شود باید نماز را تمام بخواند.</p> <p>(عروة الوثقی، فی شرائط التقصیر، م ۱۸)</p>	<p>۱۱۵ اگر تابع، قصد مفارقت از متبوع را ندارد لکن علم یا اطمینان دارد که قبل از رسیدن به چهار فرسخ مانعی به وجود می آید که نمی تواند ادامه سفر دهد، در این صورت قصد مسافت محقق نشده و نمازش تمام است. اما اگر <u>ظن یا شک به مفارقت داشته باشد، قصد محقق شده و نماز قصر است.</u></p> <p>(نماز مسافر جامع، م ۶۰)</p>
<p>...اگر قبل از آنکه به چهار فرسخی برسد، از قصدش برگردد یا مردّد شود، باید نماز را تمام بخواند و <u>نمازی را که شکسته خوانده، نه در وقت و نه در خارج از وقت، اعاده ندارد.</u></p> <p>(تحریر الوسیلة، صلاة المسافر، فی شرائط التقصیر، ثالثها)</p>	<p>۱۱۶ کسی که به قصد مسافت شرعی حرکت کرده و پس از گذشتن از حدّ ترخص نمازش را به صورت قصر خوانده، اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصدش برگردد یا قصد اقامت ده روز کند، <u>نمازهایی را که قصر خوانده، بنابر احتیاط واجب باید دوباره به صورت تمام در وقت اعاده و خارج وقت قضا کند.</u></p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۴۴۸)</p>
<p>...بنابر احتیاط نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، اگر چه <u>بعید نیست که نماز قصر باشد به خصوص اگر مقداری را که در حال تردید پیموده، کم باشد.</u></p> <p>(تحریر، صلاة المسافر، فی شرائط التقصیر، م ۱۳)</p>	<p>۱۱۷ کسی که قصد پیمودن هشت فرسخ یا بیشتر را دارد، اگر قبل از رسیدن به چهار فرسخ منصرف یا مردد شود، نمازش تمام است و چنانچه دوباره تصمیم به ادامه سفر بگیرد و در حال تردید یا انصراف از ادامه سفر مقداری از مسافت را پیموده است و بقیه راه کمتر از مسافت شرعی باشد، نماز تمام است؛ مگر آنکه مجموع مسافت قبل از انصراف یا تردید با مسافت باقی مانده بعد از قصد مجدد به ادامه سفر، به مقدار مسافت شرعی باشد که در این صورت <u>بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم تمام و هم قصر بخواند.</u></p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۴۴۷)</p>

شرط پنجم: معصیت نبودن سفر

<p>اگر حیوان سواری یا مرکب دیگری که سوار است غصبی باشد نمازش شکسته است ولی اگر در زمین غصبی مسافرت کند <u>بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.</u></p>	<p>۱۱۸ اگر با وسیله غصبی سفر کند یا <u>از زمین غصبی عبور کند، حکم سفر معصیت را ندارد و نماز قصر است؛</u> اگر چه احتیاط مستحب آن است که جمع بخواند.</p>
---	--

<p>(توضیح المسائل، م ۱۲۹۸)</p>	<p>(رساله نماز و روزه، م ۴۵۴)</p>
<p>...نمازهایی را که شکسته خوانده صحیح است. (تحریر، صلاة المسافر، فی شرائط التقصیر، م ۱۸)</p>	<p>اگر سفر مباحی را شروع کند و بین راه (قبل از رسیدن به هشت فرسخ) طبق وظیفه، نماز را قصر بخواند، سپس قصد او به حرام تبدیل شود، <u>باید نماز قصری را که خوانده، به صورت تمام در وقت اعاده و در خارج وقت قضا کند.</u> (رساله نماز و روزه، م ۴۵۸)</p>
<p>...نماز را شکسته بخواند و احتیاط آن است که مادامی که به سیر و حرکت مشغول نشده، جمع بخواند. (تحریر الوسیلة، صلاة المسافر، فی شرائط التقصیر، م ۱۸)</p>	<p>اگر سفر را به قصد مباح شروع کند و پس از پیمودن مسافت شرعی در جایی که توقف کرده قصدش به حرام تغییر یابد، چنانچه بخواند قبل از حرکت نماز بخواند <u>باید آن را تمام بخواند؛</u> هر چند احتیاط مستحب آن است که هم تمام و هم قصر بخواند. (رساله نماز و روزه، م ۴۶۰)</p>
<p>کسی که برای معصیت سفر کرده، موقعی که از سفر برمی گردد چنانچه توبه کرده یا به جهت امری، برگشتن او جزء سفر معصیت حساب نشود (مانند اینکه برگشت او یک هدف مستقل دیگری غیر از رجوع به وطن داشته باشد) <u>نمازش قصر است و اگر توبه نکرده، و چیزی هم که بازگشت را از جزئیت سفر معصیت خارج کند به وجود نیامده، باید نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.</u> (تحریر، صلاة المسافر، فی شرائط التقصیر، م ۲۰)</p>	<p>کسی که از سفر معصیت برمی گردد و مسیر برگشت به مقدار مسافت شرعی است، چنانچه خود سفر (نه غایت آن) معصیت باشد و بازگشت از سفر معصیت، ادامه همان سفر باشد، در صورت توبه، نمازش قصر است، اما اگر توبه نکرده، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند، اما اگر هدف سفر معصیت باشد احتیاط واجب آن است که نماز را هم قصر و هم تمام بخواند؛ خواه توبه کرده باشد یا نه، اما چنانچه بازگشت، سفر جدیدی محسوب شود (نه ادامه سفر قبل) مانند اینکه بعد از گذشتن مدت طولانی؛ مثل یک سال، بخواند به شهر اول برگردد، در هر صورت (چه توبه کرده باشد یا نه) باید نماز را قصر بخواند و روزه را هم افطار کند. (رساله نماز و روزه، م ۴۶۸)</p>
<p>...اگر براساس اصل عملی بنا را بر حرمت گذاشته باشد، احتیاط جمع است هر چند <u>بعید نیست که نماز صحیح باشد.</u> (عروة الوثقی، صلاة المسافر، شرائط التقصیر، حاشیه م ۳۶)</p>	<p>اگر حرمت سفر بر اساس یکی از اصول غیر محرز؛ مانند احتیاط باشد و با این حال به سفر برود سپس متوجه شود که مباح بوده، بنا بر احتیاط واجب آن را به صورت قصر اعاده یا قضا کند و اگر نماز نخوانده باشد، به دو صورت قصر و تمام قضا کند. (نماز مسافر جامع، م ۹۰)</p>

شرط ششم: خانه به دوش نبودن

<p>...چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد، <u>احتیاط واجب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.</u> (تحریر، صلاة المسافر، شرائط القصر، السادس)</p>	<p>اگر از قبیله ای که خانه به دوش هستند، فردی برای جستجو و یافتن گیاه و برکه، جدا شود، هر چند به مقدار هشت فرسخ یا بیشتر برود، <u>نمازش تمام است.</u> (رساله نماز و روزه، م ۴۷۷)</p>
<p>اگر صحرانشین برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند، <u>باید نماز را شکسته بخواند.</u> (تحریر، صلاة المسافر، شرائط القصر، السادس)</p>	<p>اگر خانه به دوش بخواند سفر دیگری برود؛ مثلاً بخواند به حج برود یا برای عیادت کسی به شهری برود، چنانچه در این سفر هم، مانند سفرهای دیگر با خانواده و آنچه همراه اوست، برود به طوری که آن زمان نیز عنوان "</p>

	خانه به دوش " بر او صدق کند، نمازش تمام است، اما اگر آنها را در شهری می گذارد و خودش می رود به گونه ای که آن هنگام به او خانه به دوش گفته نشود، <u>بعید نیست</u> که نمازش قصر باشد. (رساله نماز و روزه، م ۴۷۵)	
--	--	--

شرط هفتم: سفر شغلی نبودن

اگر منزلش تا شهری که کار و شغلش در آن شهر است به مقدار مسافت باشد و هر روز به آن شهر می رود، ظاهر آن است که در سفر و در شهری که وطنش نیست، <u>نمازش را باید شکسته بخواند.</u> (تحریر الوسیلة، صلاة المسافر، فی شرائط التقصیر، سابعها و م ۲۴)	اگر سفر شغل باشد؛ خواه قوام شغل به سفر کردن باشد، مانند رانندگی یا خلبانی و خواه <u>سفر کردن مقدمه شغل باشد</u> ، مانند سفر پزشکی یا معلمی که برای شغلش سفر می کند، <u>نماز در آن سفر تمام و روزه صحیح است.</u> (رساله نماز و روزه، م ۴۷۸)	125
...بعید نیست که در سفر اول با اینکه سفر شغل و کار او است، <u>قصر بر او واجب باشد.</u> (تحریر الوسیلة، صلاة المسافر، فی شرائط التقصیر، سابعها)	پس از تحقق شرایط از اولین سفر شغلی حکم سفر جاری است و <u>نماز تمام و روزه صحیح است.</u> (رساله نماز و روزه، م ۴۸۳)	126
بعید نیست که با وجود تحقق سفر شغلی در سفر اول، <u>نماز قصر باشد؛ هر چند یک سفر طولانی باشد.</u> (عروة الوثقی، سابعها با حاشیه امام)	اگر مکلف فقط یک سفر طولانی برای شغلش برود، مانند یک مسیر دریایی طولانی، بعید نیست که عرف این سفر را شغل حساب کند، بنابر این <u>نماز تمام است؛ هر چند قصد استمرار آن را نداشته باشد.</u> (رساله نماز و روزه، م ۴۸۷)	127
کسی که شغلش در تابستان چهارپاداری است نه در زمستان، یا برعکس، ظاهر آن است که در حال شغلش واجب است تمام بخواند، اگرچه احتیاط (مستحب) آن است که جمع نماید. اما کسانی همچون حمله دارها (مدیران کاروان ها) که در خصوص ماه های حج مشغول سفر می شوند، <u>ظاهراً قصر بر آنها واجب است.</u> (تحریر الوسیلة، فی شرائط التقصیر، م ۲۲)	کسی که اشتغال به شغلی دارد که در سال یک بار به مدت مثلاً یک ماه طول می کشد؛ مانند <u>کاروان دار حج</u> ، چنانچه بنا دارد همه ساله به این کار اشتغال داشته باشد، نمازش حتی در اولین سفر <u>تمام است.</u> ولی اگر قصد استمرار ندارد، نماز قصر است. (رساله نماز و روزه، م ۴۸۸)	۱۲۸

شرط هشتم: حد ترخص

منظور از حد ترخص، جایی است که اذان شهر را نشنود یا دیوار و شکل های آن را (نه شبخ آن را) از آنجا نبیند و احتیاط ترک نشود به اینکه هر دو (نشیدن اذان و ندیدن دیوار) حاصل شود. (تحریر الوسیلة، صلاة المسافر، فی شرائط التقصیر، الثامن)	ملاک تشخیص حد ترخص*، آن است که از آخرین خانه شهر به اندازه ای دور شود که صدای اذان متعارف شهر را بدون بلندگو نشنود؛ خواه دیوارهای شهر را ببیند یا نه. (رساله نماز و روزه، م ۵۰۷)	۱۲۹
اگر کسی بخواهد دور شهر (که حداقل هشت فرسخ است) بگردد، چنانچه تمام دور، داخل حد ترخص باشد و یا بعد از حد ترخص است لکن در اثناء دور داخل حد ترخص شود و	بر اساس تحقیقات انجام گرفته ۱۳۵۰ متر پس از آخرین نقطه شهر، حد ترخص می باشد. اگر کسی قصد دارد حداقل هشت فرسخ، دور شهر حرکت کند، چنانچه این حرکت داخل حد ترخص باشد، نمازش تمام است، ولی اگر خارج حد ترخص باشد، <u>نماز قصر است؛ هر چند به خاطر کجی و اعوجاج راه، در</u>	۱۳۰

<p>مسافتی که بیرون حد ترخص است، هشت فرسخ نباشد، نماز تمام است.</p> <p>(عروة الوثقی، صلاة المسافر، فی شرائط القصر، م ۷۰)</p>	<p>مواردی داخل حد ترخص شود و مقدار مسیر خارج حد ترخص، کمتر از هشت فرسخ باشد. البته اگر بخواهد داخل حد ترخص نماز بخواند، نماز تمام است. (رساله نماز و روزه، م ۵۲۴)</p>
<p>...اگر وارد رکعت سوم شده باشد، صحت آن محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که آن را به صورت قصر بیان دهد، سپس يك نماز تمام اعاده نماید، یا همان نماز را به طور تمام بخواند، سپس يك نماز قصر اعاده کند. همچنین اگر بعد از رسیدن به رکوع به حد ترخص برسد، صحت نماز محل اشکال است و بنا بر احتیاط واجب همان نماز را چهار رکعتی تمام کند سپس به صورت قصر اعاده کند.</p> <p>(تحریرالوسیلة، فی شرائط التقصیر، م ۳۲)</p>	<p>مسافری که با وسیله‌ای مانند قطار یا کشتی از وطن حرکت می‌کند و پیش از رسیدن به حد ترخص، به قصد تمام شروع به نماز کند، اگر در قیام رکعت سوم و قبل از رکوع از حد ترخص عبور کند، باید بنشیند و سلام دهد و نماز را تمام کند و برای قیام بی‌جا مستحب است دو سجده سهو انجام می‌دهد. اما اگر به رکوع رکعت سوم رفته باشد، نمازش باطل است.</p> <p>(نماز مسافر جامع، م ۱۷۳)</p>

قواطع سفر

<p>منظور از وطن اصلی وطنی است که مکلف در آنجا متولد شده و جایگاه پدری او بوده است.</p> <p>(استفتائات، ج ۳، س ۲۶۰۹)</p>	<p>۱۳۱</p> <p>وطن اصلی مکانی است که انسان بخش عمده‌ای از اوایل زندگی (دوران کودکی و نوجوانی) را در آنجا رشد و نمو کرده باشد.</p> <p>در تحقق وطن اصلی لازم نیست که انسان در آنجا متولد شده یا وطن والدینش باشد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۵۳۱ و ۵۳۲)</p>
<p>وطن اتخاذی مکانی است که فرد آنجا را محل سکونت و زندگی دائمی خود قرار داده باشد و شرط نیست که در آنجا مالک چیزی باشد و یا شش ماه در آن اقامت کند، ولی باید به مقداری بماند که عرفاً بگویند؛ آنجا وطن و محل سکونت او است.</p> <p>(تحریرالوسیلة، صلاة المسافر، قواطع السفر، و هی امور: أحدها)</p>	<p>۱۳۲</p> <p>در تحقق وطن اتخاذی؛ فرقی نمی‌کند که فرد قصد زندگی دائم یا قصد زندگی بدون تعیین مدت یا قصد زندگی به مدت طولانی در آن مکان را داشته باشد.</p> <p>اگر قصد دارد در جایی حدود ده سال بماند، بعید نیست عرفاً برای صدق وطن اتخاذی کافی باشد.</p> <p>اگر شخصی با قصد توطن در محلی، از ابتدا خانه‌ای اجاره کرده یا بخرد یا کسب و کاری پیدا کند، از همان موقع وطن محقق می‌شود و نمازش تمام است و گذشت یکی دو ماه برای تحقق وطن لازم نیست.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۸)</p>
<p>ممکن است یک نفر، در یک زمان، دو وطن فعلی داشته باشد به این صورت که دو محل را، مسکن دائمی خود قرار دهد و مثلاً در هر سال، شش ماه در یکی و شش ماه در دیگری اقامت کند، ولی داشتن بیش از دو وطن فعلی محل اشکال است و در این مورد باید احتیاط مراعات شود.</p> <p>(تحریرالوسیلة، صلاة المسافر، قواطع السفر، م ۲)</p>	<p>۱۳۳</p> <p>داشتن دو یا سه وطن بالفعل اشکال ندارد؛ به این صورت که در هر یک خانه و زندگی دارد و در طول سال چند ماه در آن مکان‌ها زندگی می‌کند؛ اما داشتن بیش از سه وطن بالفعل، محل اشکال است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۵۴۲)</p>
<p>...چنانکه قصد داشته باشد که زود برگردد؛ مانند اینکه یکی دو ساعت خارج شود به طوری که عرفاً از صدق اقامت ده روز در آن محل خارج نشود حکم مقیم را دارد.</p> <p>(تحریرالوسیلة، صلاة المسافر، قواطع السفر، م ۷)</p>	<p>۱۳۴</p> <p>اگر هنگام قصد اقامت تصمیم داشته باشد که در بین ده روز از محل اقامت خارج شود و به مسافتی کمتر از چهار فرسخ برود، در صورتی که قصد داشته باشد به مقداری خارج شود که عرفاً با ماندن ده روز در یکجا منافات ندارد؛ مانند اینکه بخواهد در این مدت دو سه</p>

	بار و هر بار حداکثر به مدت نصف روز خارج شود، به قصد اقامت او خللی وارد نمی شود و نمازش تمام است. (رساله نماز و روزه، م ۵۶۱)	
ابتدای روز، بنا بر اقوا از طلوع فجر دوّم (سپیده صادق) است پس اگر وقت طلوع خورشید وارد شود، آخر دهه، موقع طلوع خورشید روز یازدهم می باشد- نه غروب روزدهم-.	مراد از «روز» در اقامت ده روز، معنای عرفی آن یعنی از طلوع تا غروب خورشید است. بنابراین اگر فردی هنگام طلوع خورشید وارد مکانی شود و قصد کند تا غروب روز دهم آنجا بماند، نمازش تمام است و لازم نیست که شب اوّل و آخر نیز در آنجا باشد. (رساله نماز و روزه، م ۵۶۲)	۱۳۶
اگر نداند تا آخر ماه چقدر مانده و قصد کند که تا آخر ماه بماند، باید نماز را شکسته بخواند اگرچه از موقعی که قصد کرده تا آخر ماه ده روز یا بیشتر باشد.	اگر کسی قصد دارد تا روز معینی (مثلاً تا آخر ماه) در مکانی بماند و در واقع تا آن زمان ده روز باشد، اگر چه نداند ده روز است، قصد اقامت محقق شده و نمازش تمام است؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که نماز را جمع بخواند. (رساله نماز و روزه، م ۵۷۲)	۱۳۷
اگر قبل از داخل شدن در رکوع رکعت سوم باشد، باید آن نماز را به طور قصر تمام کند و اگر بعد از داخل شدن در رکوع رکعت سوم و قبل از تمام کردن نماز باشد، بنا بر اقوی نمازش باطل است و باید شکسته بخواند، اگرچه احتیاط (مستحب) آن است که آن نماز را چهار رکعتی تمام کند، سپس به صورت قصر آن را اعاده کند و مادامی که سفر نکرده، جمع بخواند.	اگر هنگام خواندن اولین نماز چهار رکعتی، از ماندن ده روز منصرف شود و بخواهد کمتر از آن بماند، نمازش تبدیل به قصر می شود. بنا بر این اگر تصمیم او قبل از رسیدن به رکعت سوّم باشد، باید نماز را به صورت قصر تمام کند و چنانچه در رکعت سوّم قبل از رکوع باشد، بنا بر احتیاط واجب باید بنشیند و نماز را به صورت قصر تمام کند و دوباره نماز را به صورت قصر اعاده کند و اگر وارد رکوع رکعت سوم شده باشد، نمازش باطل است. (رساله نماز و روزه، م ۵۷۹)	۱۳۸
اگر نمازی از مسافر فوت شود و آن را به صورت تمام قضا کند، سپس از قصد اقامتش برگردد، بر حکم تمام باقی می ماند با اشکالی که در آن هست و احتیاط آن است که جمع بخواند.	کسی که بعد از قصد اقامت، نماز چهار رکعتی از او فوت شود (و آن را به صورت تمام قضا کند) و بدون اینکه نماز چهار رکعتی دیگری به صورت ادا بخواند، از ماندن منصرف شود، باید نمازهای بعدی را به صورت قصر بخواند. (رساله نماز و روزه، م ۵۸۲)	۱۳۹
اگر در نماز چهار رکعتی قضای سجده یا تشهد واجب شود و قبل از انجام آنها از قصد اقامت عدول کند، نماز خوانده شده در بقاء بر تمام و تحقق اقامت کافی است.	اگر در نماز چهار رکعتی قضای سجده یا تشهد واجب شود و قبل از انجام آنها از قصد اقامت عدول کند، احتیاط آن است که بین قصر و تمام جمع کند. (نماز مسافر جامع، م ۲۷۹)	۱۴۰
(عروة الوثقی، قواطع سفر، برگرفته از م ۳۴)		
...بنا گذارد که نماز خوانده و لکن در اکتفاء به آن برای باقی ماندن بر تمام اشکال است و بنا بر احتیاط بین قصر و تمام جمع کند.	اگر بعد از گذشت وقت نماز چهار رکعتی، از قصد اقامت برگردد و شک کند در وقت گذشته نماز خوانده یا نه؟ باید بنا بگذارد بر اینکه نماز را به صورت تمام خوانده است و نمازهای بعد را هم به صورت تمام به جا آورد. (رساله نماز و روزه، م ۵۸۴)	141
(عروة الوثقی، صلاة المسافر، القواطع، حاشیه م ۳۳)		

<p>اگر مسافر از اول ماه قمری تردید داشته باشد، ظاهر این است که ماه قمری (اگر بیست و نه روز باشد) به سی روز ملحق است.</p> <p>(تحریر الوسیلة، صلاة المسافر، قواطع السفر، م ۱۷)</p>	<p>اگر ماه وارد شود و ماه قمری ۲۹ روز باشد، باید تا روز بیست و نهم نماز را قصر بخواند و در روز سیام بنا بر احتیاط واجب، بین قصر و تمام جمع کند و از روز سی و یکم تمام بخواند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۵۹۲)</p>	۱۴۲
--	---	-----

احکام مسافر

<p>مسافری که نمی‌داند باید نماز را شکسته بخواند اگر تمام بخواند <u>نمازش صحیح است</u>.</p> <p>(تحریر الوسیلة، صلاة المسافر، احکام المسافر، م ۱)</p>	<p>مسافری که نمی‌داند نماز در سفر قصر است و بر خلاف وظیفه اش نماز را تمام می‌خواند، در صورتی که جاهل قاصر باشد، پس از فهمیدن حکم، لازم نیست نماز را اعاده یا قضا کند. ولی اگر جاهل مقصر باشد، به خاطر کوتاهی در یادگیری گناه کرده و پس از فهمیدن حکم، باید نمازش را در وقت اعاده و در خارج وقت قضاء کند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۶۰۴ و ۶۰۵)</p>	143
<p>...در صورتی که وقت باقی است باید نماز را شکسته بخواند و اگر وقت گذشته باید شکسته قضا نماید.</p> <p>(تحریر الوسیلة، احکام المسافر، م ۱)</p>	<p>اگر حکم نماز در سفر را می‌داند، ولی به دلیل جهل به خصوصیات حکم، نماز را تمام بخواند، در این صورت احتیاط واجب آن است که اگر در وقت متوجه شود، آن را اعاده و اگر بعد از وقت متوجه شود، آن را قضا کند؛ مانند اینکه می‌داند در سفر نماز قصر است، اما نمی‌داند بعد از قصد اقامت ده روز و قبل از خواندن یک نماز چهار رکعتی اگر از قصدش برگردد، نماز قصر است و نماز را تمام بخواند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۶۰۶)</p>	144
<p>اگر فراموش کند که در سفر است و نمازش را تمام بخواند، چنانچه داخل وقت یادش بیاید، باید نماز را اعاده کند و اگر اعاده نکند، قضای آن واجب است، ولی اگر بعد از وقت متوجه شود، نمازش قضا ندارد. اما اگر فراموش کند که مسافر باید نمازش را قصر بخواند (حکم را فراموش کرده) در وقت اعاده و خارج وقت نیز بنا بر احتیاط واجب قضا کند.</p> <p>(عروة الوثقی، احکام صلاة المسافر، حاشیه م ۳)</p>	<p>اگر فراموش کند که مسافر باید نمازش را قصر بخواند یا فراموش کند که در سفر است و نمازش را تمام بخواند، چنانچه داخل وقت یادش بیاید، باید نماز را اعاده کند و اگر اعاده نکند، قضای آن واجب است، ولی اگر بعد از وقت متوجه شود، نمازش قضا ندارد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۶۰۸)</p>	145
<p>کسی که وظیفه اش تمام خواندن نماز است، در صورتی که قصر بخواند <u>نمازش مطلقاً باطل است</u>، حتی کسی که قصد اقامت کرده و نماز را چون نمی‌دانسته حکم او تمام خواندن می‌باشد، قصر خوانده است.</p> <p>(تحریر الوسیلة، احکام المسافر، م ۳)</p>	<p>مسافری که می‌خواهد ده روز در جایی بماند، اگر به خاطر جهل به حکم نماز را قصر بخواند، نمازش صحیح است، ولی اگر به خاطر جهل به موضوع یا فراموشی قصر بخواند، نمازش باطل است و باید نمازش را دوباره بخواند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۶۱۴)</p>	۱۴۶
<p>مسافری که قصد اقامت نکرده، در چهار جا بین قصر و تمام مخیر است که عبارتند از: <u>مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله وسلم</u>، مسجد کوفه، و حائر حسینی (علی مشرفه السلام) و تمام خواندن افضل است.</p> <p>(تحریر الوسیلة، احکام المسافر، م ۸)</p>	<p>مسافر در اماکن چهارگانه تخییر (یعنی شهر مکه، مدینه، مسجد کوفه و حائر حسینی "علیه السلام") می‌تواند نمازهای چهار رکعتی را قصر یا تمام بخواند و اگر تمام بخواند افضل است، اما احتیاط مستحب قصر است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۶۲۰)</p>	۱۴۷

<p>در الحاق دو شهر مکه و مدینه به دو مسجد آنها محل تأمل است، پس احتیاط به اینکه در شهرهای مذکور قصر بخواند ترک نشود. (تحریرالوسیلة، احکام المسافر، م ۸)</p>	<p>حکم تخییر در تمامی شهر مکه و مدینه فعلی جاری است و مخصوص مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که به دو مسجد اکتفاء شود. (رساله نماز و روزه، م ۶۲۱)</p>	۱۴۸
<p>بنابر اقوی تمام روضه شریفه جزء حائر حسینی علیه السلام محسوب می شود، بنا بر این از طرف بالای سرتا شبکه های متصل به رواق و از طرف پا تا درب متصل به رواق و از پشت سر تا حد مسجد، جزء حرم است و خالی از قوت نیست که مسجد و رواق شریف هم جزء حرم شمرده شود (و مسافر در آن جاها هم مخیر باشد) ولی ترک احتیاط به اینکه در این دو مورد قصر خوانده شود سزاوار نیست. (تحریرالوسیلة، احکام المسافر، م ۸)</p>	<p>حکم تخییر در حائر حسینی (علیه السلام) به زیر گنبد (تحت القبّه) و جایی که نزد قبر امام حسین (علیه السلام) صدق می کند، اختصاص دارد و بنا بر احتیاط شامل رواقها و صحن مطهر نمی شود. (رساله نماز و روزه، م ۶۲۳)</p>	149
<p>...ظاهر آن است که اگر در همین مکانها قضای آن را می خواند، مخیر بین شکسته و تمام خواندن باشد و اگر قضا در غیر مکانهای تخییر باشد، باید بنا بر احتیاط (واجب) به صورت شکسته قضا نماید. (تحریرالوسیلة، صلاة القضاء، م ۶)</p>	<p>اگر در اماکن تخییر، نمازی از مکلف (عمداً یا سهواً) فوت شود و بخواهد در غیر این اماکن نماز را قضا کند، اقوی این است که به صورت قصر بخواند، و چنانچه بخواهد در همین مکانها آن را قضا کند، بنا بر احتیاط واجب باید قصر بخواند. (رساله نماز و روزه، م ۶۲۵)</p>	۱۵۰

مسائل اختصاصی در مورد نماز مسافر

<p>اگر سفر و هدف آن معصیت نباشد، ولی در ضمن سفر کار حرام (مانند غیبت یا شرب خمر) انجام شود، حکم سفر معصیت را ندارد و نماز قصر است. البته اگر کار حرام در تمام طول سفر (مگر ساعات کم) انجام گیرد به طوری که صدق کند سفر در معصیت الهی گذشته است، در این صورت احتیاط آن است که نماز را جمع بخواند. (نماز مسافر جامع، م ۷۸)</p>		۴
<p>اگر مکلف یقین به حرمت سفر یا غایت آن ندارد لکن بر اساس بیّنه (دو شاهد عادل) یا استصحاب، تصور کند سفر یا غایت آن حرام است و با این حال به سفر برود سپس بفهمد که اشتباه کرده است، باید نماز را در وقت به صورت قصر اعاده و در خارج وقت، قضا کند و اگر اصلاً نماز را نخوانده باشد، به صورت قصر قضا کند. (نماز مسافر جامع، م ۸۹)</p>		5
<p>سفر تفریحی برای شکاری که گوشت آن را می خورند، حکم سفر لهوی را ندارد. (رساله نماز و روزه، م ۴۷۲)</p>		6
<p>یکی از شرایط قصر نماز در سفر، آن است که شخص محل استقرار و نقطه اقامت ثابتی در غیر سفر داشته باشد؛ بنا بر این چنانچه مسافری اصلاً محل ثابت و مکان استقرار و سکونتی ندارد و بنای زندگی اش نیز این است که چنین مکانی نداشته باشد و خانه به دوش باشد؛ هر چند در آخر عمر ممکن است از این تصمیم منصرف شود، نمازش تمام است. (نماز مسافر جامع، م ۱۱۸)</p>		7
<p>کسی که با خانواده و وسایل زندگی اش به قصد مسافرت یکی دو ساله، مثلاً به دور دنیا حرکت می کند، حکم خانه به دوش را ندارد و نمازش قصر است. (نماز مسافر جامع، م ۱۲۳)</p>		8
<p>اگر در بخشی از سال مکان استقرار دارد، ولی در بخش دیگری از سال جای ثابتی ندارد و خانه به دوش است، باید هنگام سکونت در محل استقرار نمازش را تمام و زمانی که بیرون می آید و محل استقرار ندارد (مانند بعضی از قبیلها)، بنا بر احتیاط واجب هم قصر و هم تمام بخواند. (رساله نماز و روزه، م ۴۷۶)</p>		9

10	<p>کسی که سفر شغل اوست (خواه قوام شغل به سفر باشد یا سفر مقدمه شغل باشد)، اگر به سفر غیر شغلی برود، هر چند به محل شغلش باشد، نمازش قصر است.</p> <p>در فرض مسأله قبل، چنانچه برای کاری غیر از شغل به محل شغلش سفر کند، ولی تصمیم بگیرد که به خاطر شغل در آنجا بماند، در مدتی که آنجا توقف می کند تا به سر کار برود و بعد از آن و در برگشت، نمازش تمام است، گرچه احتیاط آن است که در مدتی که آنجا توقف می کند تا به سر کار برود نماز را هم تمام و هم قصر بخواند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۴۹۲ و ۴۹۳)</p>
11	<p>کسی که شغلش سفر است، در صورتی که ده روز در وطن یا غیر وطن اقامت کند و بعد از آن به سفر غیر کاری برود؛ مثلاً به سفر زیارتی برود، بنابر احتیاط واجب در سفر کاری بعد از سفر زیارتی نمازش را هم قصر و هم تمام بخواند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۴۹۵)</p>
12	<p>اگر در ضمن سفر شغلی، کار شخصی، مانند زیارت انجام دهد، (چه غرض اصلی کار شخصی باشد و بردن مسافر تبعی باشد یا به عکس و یا هر دو غرض مساوی باشند) نماز تمام است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، قسمت دوم از م ۵۰۲)</p>
13	<p>کسی که سفر شغل اوست، اگر به سفر غیر شغلی برود و بخواهد از آنجا برای شغل به محل شغل برود، در صورتی که ده روز (چه با قصد و چه بدون قصد) در آنجا توقف نکرده باشد، در سفر به محل شغل نمازش تمام است.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۵۰۳)</p>
14	<p>شخصی که تردد شغلی دارد اگر برای امری مانند صله رحم یکی دو روز زودتر به محل کار برود؛ علی الظاهر حکم سفر شغلی را دارد.</p> <p>(استفتاء، ۱۲)</p>
15	<p>کسی که شغلش سفر است؛ در برگشت از سفر شغلی نمازش تمام است، ولی اگر چند روز (کمتر از ده روز) برای غیر شغل مانند زیارت یا تفریح بماند و سپس برگردد، بنابر احتیاط واجب در برگشت، باید بین قصر و تمام جمع کند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۵۰۴)</p>
16	<p>سوال: فردی در غیر وطن به طور موقت ساکن شده است، اما محل کار او همان وطن اوست و بین این دو محل مسافت شرعی وجود دارد و هر روز برای انجام کار به وطن خود می رود در رجوع از این سفر و در محل زندگی موقت که حکم وطن را ندارد وظیفه او چیست؟ آیا با رسیدن به وطن سفر شغلی او قطع شده و در برگشت سفر جدید غیر شغلی محسوب می شود و نماز قصر است؟ و یا اینکه چون به جهت شغلی که دارد و نمی تواند یک جا بماند نمازش در برگشت و محل اقامت هم تمام است؟</p> <p>پاسخ: اگر ده روز در وطن مکث نمی کند نمازش تمام است.</p> <p>(استفتاء، ۱۲)</p>
17	<p>س: فردی که هفته ای یکبار به عنوان خادم افتخاری حرم امام رضا علیه السلام به مشهد مقدس سفر می کند آیا این سفر، سفر شغلی محسوب می شود، وضعیت نماز و روزه اش چگونه است؟</p> <p>پاسخ: در فرض سوال شغل محسوب نمی شود، بنابراین نماز قصر و روزه صحیح نیست.</p> <p>(استفتاء، ۲۰)</p>
18	<p>کسی که شغلش سفر است اگر به آخرین سفر شغلی برود یا در بین سفر از ادامه اشتغال منصرف شود، چنانچه سفر مقوم شغل او بوده؛ مانند رانندگی، در این صورت در مسیر برگشت از آخرین سفر، اگر مسافری نیاورد، برگشت او سفر شغلی حساب نمی شود و نمازش قصر است، چه با ماشین خودش برگردد و یا با وسیله دیگری و اگر سفر مقدمه شغل او باشد هنگام برگشت از سفر آخر بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم قصر و هم تمام بخواند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۵۰۵)</p>
19	<p>وطن اصلی مکانی است که انسان بخش عمده ای از اوایل زندگی (دوران کودکی و نوجوانی) را در آنجا رشد و نمو کرده باشد. در تحقق وطن اصلی لازم نیست که انسان در آنجا متولد شده یا وطن والدینش باشد، همچنین لازم نیست قصد داشته باشد برای همیشه یا مدت طولانی در آنجا زندگی کند، بلکه اگر تصمیم داشته باشد که در آینده از آنجا کوچ کند، تا زمانی که خارج نشده، همچنان وطن اصلی صدق می کند.</p>

مقدار زمان لازم برای تحقق وطن اصلی، موکول به نظر عرف است؛ مثلاً اگر ده سال اول زندگی را در جایی گذرانده است، از نظر عرف وطن اصلی صدق می کند و اگر یکی دو سال مانده باشد، وطن صدق نمی کند. (رساله نماز و روزه، م ۵۳۱، ۵۳۲ و ۵۳۳)	
--	--

نماز قضا و استیجاری

کسی که نماز قضا دارد، می تواند قبل از خواندن نمازی که قضا شده، نماز ادایی را بخواند و لازم نیست نماز قضا را جلو بیندازد. اگرچه احتیاط مستحب آن است که نماز قضا را بر نماز ادایی مقدم کند، خصوصاً اگر نماز قضای همان روز باشد. (تحریرالوسیلة، صلاة القضاء، م ۱۳)	کسی که نماز قضا دارد، می تواند نماز ادا را بخواند؛ ولی احتیاط واجب آن است که اگر فقط یک نماز قضا دارد ابتدا نماز قضا را بخواند؛ به خصوص اگر نماز قضا مربوط به همان روز باشد. (رساله نماز و روزه، م ۶۴۰)	۱۵۱
بر ولیّ میّت (پسر بزرگ) واجب است نمازهای پدرش را قضا کند. اما قضای نمازهای مادر واجب نیست؛ هرچند انجام آن احتیاط مستحب است. (تحریرالوسیلة، قضاء الصلاة، م ۱۶)	بر پسر بزرگ واجب است نمازهایی را که از پدر و بنابر احتیاط واجب از مادرش فوت شده، قضا کند. (رساله نماز و روزه، م ۶۵۱)	۱۵۲
بنابر اقوی فرقی نیست که ترک نماز از روی عمد باشد یا غیر عمد. البته کسی که نماز را به عنوان سرکشی بر مولا نخوانده باشد، بعید نیست که قضای آن نمازها واجب نباشد، اگرچه احتیاط آن است که آن را انجام دهد، بلکه این احتیاط ترک نشود. (تحریرالوسیلة، قضاء الصلاة، م ۱۶)	اگر پدر یا مادری اصلاً نماز نخوانده باشند، بنا بر احتیاط واجب قضای نمازها بر پسر بزرگ واجب است. (رساله نماز و روزه، م ۶۵۲)	۱۵۳
...واجب است مستحباتی را که انجام آن معمول است؛ مانند قنوت و تکبیر رکوع، به جا آورد. (تحریرالوسیلة، صلاة الاستیجار، م ۱۲)	اگر برای نماز استیجاری شرط خاصی (مانند به جماعت برگزار کردن یا در مسجد نماز خواندن) نشده باشد، بر اجیر فقط لازم است نماز را با واجبات آن انجام دهد. (رساله نماز و روزه، م ۶۴۷)	۱۵۴

نماز آیات

...هر حادثه غیر عادی که باعث ترس بیشتر مردم شود، چه آسمانی باشد؛ مانند بادهای سیاه، سرخ و صاعقه و رعد و برق یا بنابر احتیاط واجب زمینی باشد؛ مانند فرو رفتن زمین. (تحریرالوسیلة، صلاة الآيات، م ۱)	نماز آیات در چهار صورت واجب می شود: ... ۱. هر حادثه‌ای غیر عادی آسمانی که باعث ترس بیشتر مردم شود، مانند بادهای سیاه، سرخ و صاعقه. (رساله نماز و روزه، م ۶۶۰)	۱۵۵
وقوع پدیده‌هایی که نماز آیات برای آن واجب است و همچنین زمان و مقدار آن، از راه‌های زیر ثابت می شود: ۱. یقین خود انسان؛ ۲. شهادت دو عادل؛ ۳. بنابر احتیاط واجب با شهادت یک نفر عادل؛ ۴. بنابر احتیاط (اگر اقوا نباشد) با خبر دادن منجمی که به راستگویی اش اطمینان هست. (تحریرالوسیلة، صلاة الآيات، م ۵)	پدیده‌هایی که موجب نماز آیات می شوند، با یکی از این راه‌ها ثابت می شوند: ۱. خود انسان متوجه شود. ۲. از هر راهی که موجب علم یا اطمینان شود. ۳. دو مرد عادل خبر دهند. (رساله نماز و روزه، م ۶۶۵)	۱۵۶
...انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند ادا است. (تحریرالوسیلة، صلاة الآيات، م ۳)	هنگامی که زلزله، رعد و برق و مانند آن (که مدت زمان وقوعش کم است) اتفاق می افتد، بنابر احتیاط مکلف باید فوراً نماز آیات بخواند و اگر تأخیر بیاندازد، باید آن را تا آخر عمر بدون قصد اداء و قضاء (قصد ما فی الذمه) به جا آورد. (رساله نماز و روزه، م ۶۶۸)	۱۵۷

<p>اگر از سایر حوادث (به جز خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی) در وقت آن مطلع شود و نماز آیات را هر چند بر اثر فراموشی نخواند، باید نماز آیات را بخواند و اگر در وقت آن مطلع نشده و پس از حادثه فهمیده باشد، احتیاط واجب آن است که آن را بخواند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۶۷۲)</p>	<p>۱۵۸</p>
<p>اگر علم به وقوع این آیات پیدا نکند تا اینکه زمان متصل به وقت وقوع آن بگذرد، احتیاط آن است که نماز آیات را بخواند، اگر چه واجب نبودن آن خالی از قوت نیست.</p> <p>(تحریر الوسیله، صلاة الایات، م ۷)</p>	<p>۱۵۹</p>
<p>در نماز آیات مکلف می‌تواند به قصد سوره قل هو الله احد، «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» بگوید و به رکوع رود.</p> <p>(توضیح المسائل، م ۱۵۰۸)</p>	<p>بنابر احتیاط واجب «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را نمی‌توان یک قسمت از سوره به حساب آورد و با آن رکوع کرد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۶۷۴)</p>

نماز جماعت

<p>کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می‌شود، باید نماز را با جماعت بخواند.</p> <p>(توضیح المسائل، م ۱۴۰۵)</p>	<p>اگر شخصی در نماز دچار وسواس باشد، واجب نیست نماز را به جماعت بخواند؛ مگر آنکه وسواسش در حدی باشد که نماز را قطع می‌کند یا تکرار زیاد ذکر، موجب از بین رفتن موالات و باعث بطلان نماز شود.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۶۹۷)</p>	<p>۱۶۰</p>
<p>اگر امام نمازش را احتیاطاً قضا می‌کند یا قضای احتیاطی نماز کس دیگر را می‌خواند اگر چه برای آن پول نگرفته باشد اقتدای به او اشکال دارد.</p> <p>(عروة الوثقی، الجماعة، م ۳)</p>	<p>اگر امام نماز قضای احتیاطی؛ یعنی نمازی که قضا شدن آن قطعی نیست را به جا می‌آورد، چه برای خود باشد یا دیگری، نمی‌توان به او اقتدا کرد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۷۰۱)</p>	<p>۱۶۱</p>
<p>اگر امام یا مأوم بخواند نمازی را که به جماعت خوانده دوباره با جماعت بخواند در صورتیکه جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اول باشد اشکال ندارد.</p> <p>(عروة الوثقی، مستحبات الجماعة، م ۱۹)</p>	<p>تکرار امامت در نماز جماعت در نمازهای یومیه یکبار جایز است، مشروط بر اینکه مأومین در جماعت دوم غیر از مأومین جماعت اول باشند.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۷۰۵)</p>	<p>۱۶۲</p>
<p>مشروعیت جماعت در نماز طواف و نماز احتیاط محل اشکال است.</p> <p>(تحریر الوسیله، الجماعة، م ۱)</p>	<p>به جماعت خواندن نماز طواف کعبه صحیح نیست. جایز نیست نماز یومیه را به نماز احتیاط (که هنگام شک در رکعات خوانده می‌شود) اقتدا کرد، همچنین نماز احتیاط را هم نمی‌توان به نماز یومیه اقتدا کرد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۷۰۶ و ۷۱۰)</p>	<p>۱۶۳</p>
<p>شرایط امام جماعت عبارت است از: ایمان، حلال زادگی، عقل و بلوغ در صورتی که مأوم بالغ باشد، بلکه برای غیر بالغ نیز امامت اشکال دارد، بلکه جایز نبودن آن خالی از قرب نیست، و مرد بودن در صورتی که مأوم مرد باشد، بلکه بنابر احتیاط، هر چند هم مأوم زن باشد، و عدالت.</p> <p>(تحریر الوسیله، شرایط امام الجماعة، مقدمه)</p>	<p>امام جماعت باید عاقل، عادل، شیعه دوازده امامی و حلال زاده و بنابر احتیاط بالغ باشد، و نماز را صحیح بخواند و اگر مأوم مرد است امام هم مرد باشد. اگر همه مأومین زن باشند، جایز است امام جماعت آنان زن باشد.</p> <p>(رساله نماز و روزه، م ۷۱۱ و ۷۱۲)</p>	<p>164</p>
<p>جواز اقتدا به صاحبان عذر مشکل است و احتیاط ترك آن است و این احتیاط ترك نشود، اگر چه امامت صاحب عذر برای مانند خودش خالی از وجه نیست.</p> <p>(تحریر الوسیله، شرایط امام الجماعة، م ۵)</p>	<p>سوال: آیا کسی که حجامت کرده و هنوز محل حجامت را تطهیر نکرده می‌تواند بعنوان امام جماعت نماز بخواند؟</p> <p>پاسخ: اشکال ندارد، البته احتیاط خوب است.</p> <p>(استفتاء، ۹)</p>	<p>۱۶۵</p>

<p>جایی که امام ایستاده بالاتر از جای مأمومین نباشد، مگر به مقدار کم و احتیاط این است که به مقداری که عرفاً (ولو با مسامحه) نگویند که جای امام بلندتر است، اکتفا شود. (تحریرالوسیلة، شرائط الجماعة، الثاني)</p>	<p>مکان امام از مکان مأمومین بالاتر نباشد، البته <u>اختلاف کم (کمتر از یک وجب) اشکال ندارد.</u> (رساله نماز و روزه، م ۷۱۷)</p>	<p>۱۶۶</p>
<p>...بیشتر از یک قدم معمولی، فاصله نباشد. (تحریرالوسیلة، شرائط الجماعة، الثالث)</p>	<p><u>احتیاط واجب</u> آن است که فاصله محل سجده مأموم و محل ایستادن امام، و همچنین محل ایستادن صف جلو با محل سجده صف بعد <u>بیشتر از یک گام بلند (حدود یک متر) نباشد.</u> (رساله نماز و روزه، م ۷۲۰)</p>	<p>۱۶۷</p>
<p>...چنانچه ندانند نماز او باطل است، می توانند اقتدا کنند. (عروة الوثقی، شرائط الجماعة، م ۲۲)</p>	<p>اگر واسطه اتصال در جماعت، کودک نابالغ باشد، <u>چنانچه بدانند نماز او صحیح است</u>، می توانند اقتدا کنند و به جماعت نماز بخوانند. (رساله نماز و روزه، م ۷۲۳)</p>	<p>۱۶۸</p>
<p>...ادامه اقتدای کسی که در صف بعد است <u>اشکال دارد</u>، اگرچه آن افراد فوراً به نماز جماعت برگردند، بنابراین احتیاط به اینکه به نماز فرادا عدول کنند ترک نشود. (تحریرالوسیلة، شرایط الجماعة، م ۷)</p>	<p>اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه نیت فرادا کنند، اگر فاصله با صف جلوتر از آنها بیشتر از یک گام بزرگ باشد، نماز آنها <u>فرادا می شود</u>، مگر <u>اینکه افرادی که نمازشان تمام شده بلافاصله دوباره اقتدا کنند.</u> (رساله نماز و روزه، م ۷۲۴)</p>	<p>۱۶۹</p>
<p>...باید حمد و سوره <u>نخواند</u> و مستحب است به جای آن ذکر بگوید. (عروة الوثقی، احکام الجماعة، م ۱)</p>	<p>در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر مأموم <u>بنابر احتیاط واجب</u>، نباید حمد و سوره بخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید. (رساله نماز و روزه، م ۷۲۸)</p>	<p>۱۷۰</p>
<p>...معصیت کرده ولی نمازش <u>صحیح است</u>، اما اگر در دو رکن <u>یشت سر هم از امام جلو یا عقب بیفتد بنا بر احتیاط واجب</u> باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند، اگرچه <u>بعید نیست</u> نمازش صحیح باشد و فرادی شود. (توضیح المسائل، م ۱۴۷۰)</p>	<p>مأموم باید افعال نماز را با امام یا کمی دیرتر از امام به جا آورد و اگر عمداً از امام جماعت جلو بیفتد یا مدتی بعد از او انجام دهد، <u>نمازش فرادا می شود.</u> (رساله نماز و روزه، م ۷۳۳)</p>	<p>۱۷۱</p>
<p>...اگر سر بر ندارد تا امام برسد نمازش <u>صحیح است.</u> (عروة الوثقی، احکام الجماعة، م ۱۲)</p>	<p>اگر سهواً پیش از امام جماعت به رکوع رود، باید سر از رکوع بردارد و دوباره همراه با امام به رکوع رود و نماز را با امام جماعت تمام کند و نمازش به جماعت صحیح است و اگر از رکوع بترسد، نمازش به صورت فرادا <u>صحیح است.</u> (رساله نماز و روزه، م ۷۳۴)</p>	<p>۱۷۲</p>
<p>...اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و <u>در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.</u> (توضیح المسائل، م ۱۴۳۹)</p>	<p>اگر مأموم در رکعت دوم اقتدا کند، مستحب است قنوت و تشهد را با امام بخواند و احتیاط واجب آن است که موقع خواندن تشهد، به صورت نیم خیز بنشیند و بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، فقط حمد را بخواند و <u>در رکوع خود را به امام برساند.</u> (رساله نماز و روزه، م ۷۴۶)</p>	<p>۱۷۳</p>

۱۷۴	اگر مأموم بداند چنانچه سوره را بخواند در رکوع به امام نمی‌رسد، باید سوره را نخواند و چنانچه آن را بخواند و به رکوع نرسد نمازش فرادا می‌شود. (رساله نماز و روزه، م ۷۴۸)	...باید سوره را نخواند، ولی اگر خواند نمازش صحیح است. (توضیح المسائل، م ۱۴۴۳)
۱۷۵	اگر مأموم بعد از اتمام قرائت امام جماعت نیت فرادا کند، لازم نیست قرائت را بخواند. اما اگر مأموم در اثنای قرائت قصد انفراد کند، چنانچه بعد از اتمام حمد عدول کند نیاز نیست حمد را بخواند و اگر در اثنای حمد یا سوره، عدول کند احتیاط واجب آن است که آن را از ابتدا به قصد قربت مطلقه (نه به قصد ورود) بخواند. (رساله نماز و روزه، م ۷۵۲)	اگر بعد از قرائت امام و قبل از رکوع قصد فرادا کند، قرائت بر او واجب نیست، بلکه اگر در اثنای قرائت امام قصد فرادا کند، کافی است که بقیة قرائت را خودش بخواند، اگرچه احتیاط (مستحب) به خصوص در صورت دوم آن است که قرائت را از ابتدا به قصد قربت و رجاء بخواند. (تحریرالوسیلة، صلاه الجماعه، م ۸)
۱۷۶	بہتر است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول بایستند. (رساله نماز و روزه، م ۷۵۴)	مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول بایستند. (توضیح المسائل، م ۱۴۸۲)

مسائل اختصاصی در مورد نماز جماعت

۲۰	اتصال آقایان به جماعت توسط بانوان در نماز جماعت؛ همانند حرم مطهر رضوی و یا نماز جمعه اشکالی ندارد. (استفتاء، ۶)
۲۱	س: اگر امام جماعت نماز قضا بخواند و مأموم نداند که نماز قضای او اصلی است یا احتیاطی، آیا می‌تواند به او اقتداء کند؟ پاسخ: همین که امام جماعت مسأله دانی خود را در معرض اقتدای دیگران قرار داده است، اقتدای به او جایز است. (استفتاءات جدید)

نماز جمعه

۱۷۷	امام جمعه می‌تواند خطبه‌های نماز جمعه را قبل از ظهر بیان کند. (رساله نماز و روزه، م ۷۷۲)	خواندن خطبه‌های نماز جمعه قبل از ظهر به طوری که هنگام تمام شدن خطبه‌ها ظهر شده باشد جایز است و احتیاط آن است که خطبه‌ها پس از زوال ایراد شود. (تحریرالوسیلة، شرائط صلاة الجمعة، م ۱۰)
۱۷۸	بنابر احتیاط باید قرائت نماز جمعه با صدای بلند خوانده شود. (رساله نماز و روزه، م ۷۷۴)	مستحب است در نماز جمعه، قرائت بلند خوانده شود. (تحریرالوسیلة، فروع صلاة الجمعة، الخامس)
۱۷۹	بنابر احتیاط باید نمازگزاران به خطبه‌های امام گوش دهند و ساکت باشند و از حرف زدن پرهیزند. (رساله نماز و روزه، م ۷۷۹)	احوط بلکه اوجه این است که واجب است حاضرین به خطبه‌ها گوش کنند، بلکه احتیاط آن است که سکوت کنند و بین خطبه سخن نگویند، اگر چه اقوا آن است که سخن گفتن کراهت دارد اما اگر حرف زدن موجب ترك گوش کردن و از بین رفتن فایده خطبه شود، ترك آن لازم است. (تحریرالوسیلة، فی شرائط صلاة الجمعة، م ۱۴)
۱۸۰	در خطبه اول واجب است خطیب جمعه، حمد و ثنای الهی بگوید و سپس بر پیغمبر (صلی الله علیه وآله) درود بفرستد و مردم را به تقوا سفارش کند و يك سوره کوچک قرآن بخواند. در خطبه دوم نیز حمد و ثنای الهی را ایراد کند و بر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) درود بفرستد. احتیاط واجب آن است که در خطبه دوم نیز مردم را به تقوا	در هر یک از دو خطبه حمد خداوند واجب است، و احتیاط (واجب) آن است که پس از آن خدای متعال را ثنا گوید (و مدح کند) و صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در خطبه اول بنابر احتیاط (واجب) و در خطبه دوم بنابر اقوی واجب است.

سفارش کند و سوره کوچکی از قرآن بخواند. (رساله نماز و روزه، م ۷۷۸)	(تحریرالوسیلة، فی شرائط صلاة الجمعة، م ۷)
--	---

روزه

شرایط وجوب و صحت روزه

کسی که میداند روزه برای او ضرر دارد یا احتمال عقلایی می‌دهد که ضرر داشته باشد (یعنی خوف ضرر دارد) روزه بر او واجب نیست، بلکه در مواردی نیز حرام است، خواه این یقین و ترس از تجربه‌ی شخصی حاصل شده باشد یا از گفته‌ی پزشک امین و یا از منشأ عقلایی دیگر و اگر روزه بگیرد، صحیح نیست؛ مگر آنکه به قصد قربت گرفته باشد و بعداً معلوم شود که ضرر نداشته است. (رساله نماز و روزه آقا م ۷۹۲)	کسی که یقین یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد، اگرچه دکتر بگوید ضرر ندارد، باید روزه نگیرد، و اگر روزه بگیرد، صحیح نیست، مگر آن که به قصد قربت بگیرد و بعد معلوم شود ضرر نداشته. (توضیح المسائل، م ۱۷۴۳)	۱۸۱
برای صحیح بودن روزه مستحبی لازم است قضای روزه ماه رمضان و همچنین بنا بر احتیاط واجب روزه واجب دیگری بر عهده فرد نباشد. (رساله نماز و روزه آقا م ۷۹۶)	<u>تعمیم شرط نسبت به همه روزه های واجب (که هیچ روزه واجبی به گردنش نباشد) خالی از قوت نیست.</u> (تحریر، شرائط صحت صوم، م ۲)	۱۸۲
اگر مریض در اثنای روز ماه رمضان خوب شود، واجب نیست نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد ولی اگر پیش از ظهر باشد و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، احتیاط مستحب آن است که نیت کند و روزه بگیرد و پس از ماه رمضان باید آن را قضا کند. (رساله نماز و روزه، م ۷۹۵)	اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، <u>نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد و چنانچه بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.</u> (تحریرالوسیلة، الصوم، النیة، م ۴)	۱۸۳
سوال: روزه دختران تازه به بلوغ رسیده و نیز افراد ساکن در مناطقی که روز طولانی دارند و امثال آنها چه حکمی دارد؟ پاسخ: اگر وضعیت مکلف به گونه ای است که به خاطر ضعف جسمانی یا طولانی بودن روز، روزه گرفتن به خودی خود. حتی با ترک فعالیت و مراعات تغذیه. سختی فوق العاده داشته باشد، در این صورت بنا بر احتیاط روزه بگیرد و وقتی به سختی فوق العاده افتاد، اما اگر حرجی بودن ادامه افطار کند و قضای آن را بگیرد. روزه به دلیل فعالیت مانند اشتغال به کار یا تحصیل و مطالعه باشد، در این صورت بنا بر فتوا باید روزه بگیرد و هر گاه به سختی فوق العاده افتاد، افطار کند و قضای آن را بگیرد. (استفتاء، ۸)	انسان نمی‌تواند برای ضعف روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد. (تحریرالوسیلة، القول فی شرائط صحة الصوم و وجوبه، م ۱)	۱۸۴

نیت

در ماه رمضان نمی‌توان غیر از روزه رمضان را نیت کرد، مگر در مورد مسافر که نمی‌تواند روزه رمضان را بگیرد ولی نذر کرده است در سفر روزه مستحبی بگیرد که در این صورت روزه نذر او در ماه رمضان صحیح است.	در ماه رمضان، روزه غیر رمضان واقع نمی‌شود، چه روزه واجب باشد و چه مستحب، چه آن شخص مکلف به روزه ماه رمضان باشد و چه مکلف نباشد، مثل مسافر و مانند آن. (تحریرالوسیلة، الصوم، النیة، م ۳)	۱۸۵
--	--	-----

	(البته روزه نذر در ماه رمضان، روزه رمضان حساب نمی‌شود و باید بعداً آن را قضا کند) (رساله نماز و روزه، م ۸۰۸)	
اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر متوجه شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیت کند و روزه او صحیح است و اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد، یا بعد از ظهر متوجه شود که ماه رمضان است روزه او باطل می‌باشد، ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد و بعد از رمضان هم آن روزه را قضا نماید. (تحریرالوسیلة، الصوم، النیة، م ۴)	کسی که در ماه رمضان از روی فراموشی یا بی‌اطلاعی، نیت روزه نکند و در بین روز متوجه شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد، نمی‌تواند نیت روزه کند؛ چه قبل از ظهر متوجه شود یا بعد از ظهر. اما اگر کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده باشد در صورتی که بعد از ظهر متوجه شود، نیت روزه او صحیح نیست و در هر دو صورت تا مغرب باید از کارهای باطل کننده روزه خودداری کند، و اگر پیش از ظهر متوجه شود، بنا بر احتیاط واجب باید نیت روزه کند و بعداً نیز روزه آن روز را قضا کند. (رساله نماز و روزه، م ۸۱۰)	۱۸۶
اگر در روزه واجب معین؛ مانند روزه رمضان تردید کند که روزه را ادامه دهد یا آن را قطع کند، روزه باطل می‌شود، همچنین است اگر تردیدش به خاطر این باشد که چیزی پیش آید و نداند که آن چیز، روزه را باطل می‌کند یا نه. اما قصد قاطع به این معنی که نیت کند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بنا بر اقوی روزه را باطل نمی‌کند، البته اگر نیت قاطع کند و ملتفت باشد که لازمه‌اش نیت قطع روزه است لذا آن را هم مستقلاً قصد کند، بنا بر اقوی روزه‌اش باطل می‌شود. (تحریرالوسیلة، الصوم، النیة، م ۸)	اگر در روزه واجب معین بین روز مردد شود که روزه را ادامه دهد یا نه و یا تصمیم بگیرد یکی از مبطلات روزه را انجام دهد ولی آن را انجام ندهد، بنا بر احتیاط واجب باید روزه را تمام کند و بعداً قضای آن را بگیرد. (رساله نماز و روزه، م ۸۱۵)	۱۸۷

مبطلات روزه

احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود خودداری کند. (توضیح المسائل، م ۱۵۷۶)	احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپول‌های تقویتی و آمپول‌هایی که به رگ تزریق می‌شود و همچنین انواع سرم‌ها خودداری کند. (رساله نماز و روزه، م ۸۲۳)	۱۸۸
اگر برای خنک شدن به وسیله مضمضه یا غیر آن آب را در دهان کند و بی اختیار داخل حلق شود. و همچنین است اگر آب را بی جهت در دهان نماید و بی اختیار فرو رود، قضای روزه واجب است. اما واجب نبودن قضا (در مضمضه) برای هر وضویی بلکه برای مطلق طهارت، خالی از قوت نیست. (تحریرالوسیلة، الصوم، ما یترتب علی الافطار، التاسع)	اگر روزه‌دار هنگام وضو (که مستحب است قدری آب در دهان بگرداند و مضمضه کند) با اطمینان به فرو نرفتن آب، مضمضه کند و آب بی اختیار فرو رود، در صورتی که این کار برای وضوی نماز واجب باشد، روزه‌اش صحیح است ولی اگر برای وضوی غیر نماز واجب و یا برای غیر وضو مانند خنک شدن و امثال آن انجام دهد و آب بی اختیار فرو رود، بنا بر احتیاط باید قضای آن روز را بگیرد. (رساله نماز و روزه، م ۹۱۰)	۱۸۹
کسی که می‌خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد، هرگاه تا اذان صبح جنب بماند، اگرچه از روی عمد نباشد، روزه او باطل است. (تحریرالوسیلة، ما یجب الامساک عنه، الخامس)	کسی که می‌خواهد روزه قضا بگیرد اگر عمداً تا طلوع فجر غسل جنابت نکند، روزه‌اش باطل است و اگر سهواً غسل نکند، بنا بر احتیاط روزه‌اش باطل است. (رساله نماز و روزه، م ۸۴۲)	۱۹۰

اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از يك روز يادش بيايد، بايد روزه آن روز را قضا نمايد. (تحريرالوسيلة، ما يجب الامساك عنه، الخامس)	اگر در ماه رمضان، غسل جنابت را فراموش کند و با حالت جنابت صبح کند، روزه آن روز صحيح است ولی اگر اين فراموشی چند روز طول بکشد بايد روزه‌های ايام فراموشی را قضا کند البته نمازها در هر حال باطل است. (رساله نماز و روزه، م ۸۴۵)	۱۹۱
اگر کسی به دليل جهل به حکم، بر جنابت باقی باشد، چنانچه جاهل مقصر باشد بنا بر اقوا و اگر جاهل قاصر باشد بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل است. (تحريرالوسيلة، الصوم، ما يجب الامساك، برگرفته از م ۱۸)	کسی که شک دارد بقاء بر جنابت روزه را باطل می کند یا نه و در حال جنابت روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل است و باید قضای آن را نیز بگیرد. ولی اگر يقين دارد که بقای بر جنابت روزه را باطل نمی کند و بر اين اساس روزه بگیرد، روزه اش صحيح است، هر چند رعایت احتیاط در قضای روزه نیکو است. (رساله نماز و روزه، م ۸۴۶)	۱۹۲
دروغ بستن به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه (علیهم السلام) روزه را باطل می کند و احتیاط واجب آن است که حضرت زهرا (علیها السلام) و سایر پیغمبران و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارند. (تحریر، الصوم، ما يجب الامساك عنه، السادس)	دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (علیهم السلام) بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می کند، هر چند بعداً توبه کند و بگوید نسبت دروغ داده است. (رساله نماز و روزه، م ۸۵۷)	۱۹۳
اگر بخواهد خبری را که نمی داند راست است یا دروغ نقل کند بنا بر احتیاط واجب باید از کسی که آن خبر را گفته، یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده نقل نماید لکن اگر خودش هم خبر بدهد روزه اش باطل نمی شود. (عروة الوثقی، الصوم، المفطرات، م ۲۴)	نقل روایاتی که در کتابها آمده است و انسان نمی داند که دروغ است، اشکال ندارد، هر چند احتیاط مستحب آن است که آنها را با نسبت به آن کتاب، نقل کند. (رساله نماز و روزه، م ۸۵۸)	۱۹۴
...روزه اش صحيح است. (تحريرالوسيلة، الصوم، ما يجب الامساك عنه، م ۱۲)	اگر روزه دار درحالی که می داند دروغ بستن به خداوند متعال و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روزه را باطل می کند، چیزی را که می داند دروغ است به آنان نسبت دهد و بعداً معلوم شود راست بوده، بنا بر احتیاط باید روزه را تمام کرده و بعداً قضای آن را هم بگیرد. (رساله نماز و روزه، م ۸۶۰)	۱۹۵
رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می کند. (تحريرالوسيلة، الصوم، ما يجب الامساك عنه، الثامن)	بنا بر احتیاط واجب روزه دار باید غبار غلیظ؛ مانند غباری که از جارو کردن زمین خاکی بر می خیزد را فرو ندهد. (رساله نماز و روزه، م ۸۶۲)	۱۹۶

قضای روزه

...باید به ده فقیر هر کدام يك مدّ . که تقریباً ده سیر است . طعام بدهد، و اگر نمی تواند باید سه روز روزه بگیرد که بنا بر احتیاط واجب باید پی در پی باشد. (تحريرالوسيلة، کتاب الکفارت، القول فی اقسامها)	کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً روزه خود را باطل کند باید ده فقیر را غذا بدهد و اگر نمی تواند سه روز روزه بگیرد. (رساله نماز و روزه م ۹۲۱)	۱۹۷
اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد و بعد شک کند که چه وقت عذر او برطرف شده می تواند مقدار کمتر را که احتمال می دهد روزه نگرفته قضا نماید، مثلاً کسی که پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمی داند پنجم رمضان از سفر برگشته	کسی که چند روز از ماه رمضان را به خاطر عذری روزه نگرفته در صورتی که زمان شروع عذر را می داند، مثلاً می داند روز پنجم ماه به سفر رفته ولی نمی داند شب دهم برگشته تا پنج روزه فوت شده باشد یا شب یازدهم	۱۹۸

<p>یا ششم، می‌تواند پنج روز روزه بگیرد، هرچند احتیاط آن است که مقدار بیشتر را قضا کند. (عروة الوثقی، فی احکام القضا، م ۶)</p> <p>تمام اقسام عمد روزه را باطل می‌کند، بدون آنکه فرقی بین عالم به حکم و جاهل به آن باشد؛ بنا بر اقوی در جاهل مقصر و بنا بر احتیاط (واجب) در جاهل قاصر. و چنانچه می‌توانسته مسأله را یاد بگیرد، بنا بر احتیاط واجب کفاره بر او ثابت می‌شود. (تحریر الوسیله، فیما يجب الامساك عنه، م ۱۸)</p> <p>... لیکن قبل از آنکه بیست و سه روز از ماه رمضان بگذرد کراهت دارد، مگر آنکه سفر حج یا عمره باشد، یا به خاطر مالی که می‌ترسد تلف شود، یا برادری که می‌ترسد به هلاکت برسد سفر کند. (تحریر الوسیله، شرائط صحة الصوم و وجوبه، م ۶)</p> <p>اگر غیر از روزه رمضان روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد بنا بر احتیاط واجب نباید در آن روز مسافرت کند. و اگر در سفر باشد باید قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد ولی اگر نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد می‌تواند در آن روز مسافرت نماید. (تحریر، شرائط صحة الصوم و وجوبه م ۶)</p> <p>... اگر پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به حد ترخص برسد، باید روزه خود را باطل کند. (توضیح المسائل، م ۱۷۲۱)</p> <p>... روزه بر او واجب نیست، ولی در صورت دوم (مشقت) باید برای هر روز يك مدّ (که تقریباً ده سیر است) گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. کسی که به واسطه پیری روزه نگرفته، اگر بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید قضای روزه‌هایی را که نگرفته به‌جا آورد. (تحریر الوسیله، شرائط صحة الصوم، م ۸ و ۱۰)</p> <p>... روزه بر او واجب نیست. ولی در صورت دوم باید برای هر روز يك مدّ گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد و چنانچه بعد بتواند روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید روزه‌هایی را که نگرفته قضا نماید. (تحریر الوسیله، شرائط صحة الصوم، م ۸)</p>	<p>برگشته تا شش روزه فوت شده باشد، در این صورت احتیاط واجب آن است که مقدار بیشتر را قضا کند. (رساله نماز و روزه، م ۹۱۸)</p> <p>اگر به دلیل بی‌اطلاعی از حکم شرعی، کاری را انجام دهد که روزه را باطل می‌کند، روزه‌اش باطل می‌شود و باید آن را قضا کند ولی کفاره واجب نیست. (رساله نماز و روزه، م ۸۸۰)</p> <p>مسافرت در ماه رمضان هر چند برای فرار از روزه باشد، جایز است، البته بهتر است به سفر نرود؛ مگر اینکه سفر برای کار نیکو یا لازمی باشد. (رساله نماز و روزه، م ۹۳۶)</p> <p>رفتن به سفر برای شخصی که روزه معینی بر عهده او می‌باشد و یا اینکه چند روز قضا دارد و وقت آن ضیق شده است، اشکال ندارد و اگر در سفر است لازم نیست مراجعت کند که آن روز یا چند روز را روزه بگیرد چون کسی که در سفر است روزه از او برداشته شده است همانند ماه مبارک و تفاوتی هم بین اقسام روزه نیست. (استفتاء، ۱۷۸)</p> <p>اگر پیش از ظهر مسافرت کند در صورتیکه از شب قبل قصد سفر کرده باشد روزه‌اش باطل است. ولی اگر در روز قصد سفر کرده است، بنا بر احتیاط واجب باید روزه بگیرد و پس از ماه رمضان هم آن را قضا کند. (رساله نماز و روزه، م ۹۳۹)</p> <p>پیرمرد و پیرزنی که اصلاً توانایی روزه ندارند روزه بر آنان واجب نیست، همچنین اگر گرفتن روزه برایشان مشقت دارد، ولی در این صورت باید برای هر روز يك مد غذا (مانند گندم، جو، برنج) به فقیر بدهند و در صورت اول نیز بنا بر احتیاط باید این فدیة را بدهند و در هر صورت چنانچه پس از ماه رمضان بتوانند روزه بگیرند، بنا بر احتیاط مستحب قضای روزه‌ها را بگیرند. (رساله نماز و روزه، م ۹۵۸)</p> <p>کسی که بیماری‌ای دارد که زیاد تشنه می‌شود و نمی‌تواند تشنگی را تحمل کند یا تحمل تشنگی برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست. البته در صورت دوم (مشقت) باید برای هر روز يك مدّ طعام به فقیر بپردازد و بنا بر احتیاط واجب در صورت اول نیز این فدیة را بدهد و</p>
	۱۹۹
	۲۰۰
	۲۰۱
	۲۰۲
	۲۰۳
	۲۰۴

	چنانچه بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد، بنا بر احتیاط مستحب قضای روزه‌ها را بگیرد. (رساله نماز و روزه، م ۹۵۹)	
اگر بعد از تحقیق گمان یا یقین کند که صبح نشده و چیزی بخورد و بعد معلوم شود صبح بوده قضا واجب نیست بلکه اگر بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا واجب نیست. (تحریرالوسیلة، القول فی ما یترتب علیه الافطار، م ۱۲)	اگر در سحر ماه رمضان با تحقیق و علم به اینکه صبح نشده، کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد و بعد معلوم شود که صبح بوده است، قضای آن روز بر او واجب نیست. (رساله نماز و روزه، م ۹۰۵)	۲۰۵
بر پسر بزرگ واجب است روزه‌هایی را که از پدرش به هر سببی (به غیر از سرکشی و طغیان) فوت شده است قضا کند، البته اگر عمداً و از روی سرکشی ترک کرده باشد، واجب نبودن قضای آن بر او بعید نیست، لکن احتیاط آن است که در این صورت نیز واجب باشد، بلکه این احتیاط نباید ترک شود. اما انجام قضای روزه‌های مادر بر پسر بزرگ واجب نیست؛ هرچند احتیاط این است که آن را انجام دهد. (تحریرالوسیلة، قضاء صوم شهر رمضان، م ۱۳ و فی صلاة القضا، م ۱۶)	اگر پدر و نیز بنا بر احتیاط واجب مادر، روزه‌های خود را به خاطر عذری غیر از سفر به جا نیاورده باشند و با اینکه می توانستند آن را قضا کنند، قضا نکرده باشند، بر پسر بزرگ واجب است پس از فوت آنها، خودش یا با گرفتن اجیر، قضای آن روزه‌ها را بگیرد، اما روزه‌هایی که به دلیل سفر نگرفته اند، بر پسر بزرگ واجب است آن را قضا کند هرچند آنها فرصت و امکان قضا نداشته اند. روزه‌هایی را که پدر یا مادر عمداً نگرفته اند، بنا بر احتیاط واجب بر پسر بزرگ واجب است. (رساله نماز و روزه، م ۹۳۴ و ۹۳۵)	۲۰۶

مواردی که قضا و کفاره واجب است

واجب شدن کفاره در فرو بردن سر در آب و اماله کردن بنا بر احتیاط (واجب) و در بقیة مبطلات بنا بر اقوی است، بلکه در دروغ بستن بر آنان نیز وجوب کفاره خالی از قوت نیست. ولی قی کردن بنا بر اقوی باعث کفاره نمی شود و بنا بر احتیاط (واجب) بین عالم و جاهل مقصر فرقی نیست و اما جاهل قاصری که توجه به سؤال کردن هم نداشته، ظاهر آن است که دادن کفاره بر او واجب نیست. (تحریرالوسیلة، فیما یترتب علی الافطار، م ۱)	هرگاه در ماه مبارک رمضان کارهایی که روزه را باطل می کند از روی عمد و اختیار و بدون عذر شرعی انجام شود، علاوه بر اینکه روزه باطل می شود و قضا دارد، کفاره عمد نیز بر انسان واجب می شود، چه بداند کفاره دارد و چه نداند. (رساله نماز و روزه، م ۸۷۹) (واجب شدن کفاره در دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (علیهم السلام) و رساندن غبار غلیظ به حلق و فرو بردن سر در آب بنا بر احتیاط واجب است.)	۲۰۷
...هرچند مدّ که می تواند به فقرا طعام دهد و اگر نمی تواند طعام بدهد باید استغفار کند، اگرچه مثلاً یک مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، و احتیاط واجب در فرض اخیر آن است که هر وقت بتواند، کفاره را بدهد. (تحریرالوسیلة، القول فیما یترتب علی الافطار، م ۱۱)	اگر کسی هیچ یک از سه موردی را که برای کفاره عمد مخیر است، نتواند انجام دهد، باید به هر تعداد فقیر که قادر است، غذا بدهد و احتیاط آن است که استغفار هم بکند و اگر به هیچ وجه قادر بر غذا دادن به فقرا نیست، کافی است که استغفار کند، یعنی با دل و زبان بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ (از خداوند بخشایش می طلبم) و اگر بعدها توانست روزه بگیرد یا به فقرا غذا دهد، احتیاط مستحب آن است که انجام دهد. (رساله نماز و روزه، م ۸۹۳ و ۸۹۴)	۲۰۸
اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، برای همه آنها یک کفاره کافی است. (تحریرالوسیلة، القول فیما یترتب علی الافطار، م ۳)	اگر روزه دار در یک روز بیش از یک بار کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، فقط یک کفاره بر او واجب می شود، البته اگر با آمیزش جنسی یا استمناء روزه را باطل کند، احتیاط واجب آن است که به عدد دفعات آمیزش جنسی یا استمناء کفاره بدهد.	۲۰۹

	(رساله نماز و روزه، م ۸۹۶)	
اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، بنا بر احتیاط کفّاره جمع بر او واجب می‌شود و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد، هرکدام آنها که ممکن است باید انجام دهد. (تحریرالوسیله، القول فیما یترتب علی الافطار، م ۲)	اگر کسی با آمیزش جنسی حرام یا خوردنی و نوشیدنی حرام، روزه خود را در ماه رمضان باطل کند، <u>یکی از کفارات سه گانه کافی است</u> ، هر چند احتیاط مستحب است که هر سه کفاره (آزاد کردن برده، شصت روز روزه، غذا دادن به شصت فقیر) را عمل کند. (رساله نماز و روزه، م ۸۹۷)	۲۱۰
اگر با عذر روزه او فوت شود، ولی آن عذر تا رمضان دیگر ادامه نیابد و عذر دیگری هم عارض نشود و با این حال <u>سستی کند تا رمضان دیگر برسد</u> ، باید برای هر روز یک مدّ طعام بدهد و اگر تصمیم داشته است که بعد از برطرف شدن عذر، قضا کند و در ضیق وقت عذر دیگری اتفاق بیفتد، بنا بر احتیاط (واجب) باید بین کفّاره (یک مدّ طعام) و قضا جمع کند. (تحریرالوسیله، قضاء صوم شهر رمضان، م ۹)	اگر در ماه رمضان به سبب عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان عذر او برطرف شود و با این حال قضای روزه خود را به‌جا نیاورد تا ماه رمضان آینده فرا برسد، باید علاوه بر قضای روزه برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد. (رساله نماز و روزه، م ۹۲۸)	۲۱۱
...اگر بعد از ظهر مسافرت کند، یا پیش از ظهر برای فرار از کفّاره سفر نماید، کفّاره از او ساقط نمی‌شود، بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش آمد کند، بنا بر احتیاط کفّاره بر او واجب است. (تحریرالوسیله، الصوم، فیما یترتب علی الافطار، م ۵)	کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده، اگر در آن روز به سفر رود، کفّاره ساقط نمی‌شود. (رساله نماز و روزه، م ۸۸۵)	۲۱۲
...می‌تواند به مقدار ضرورت و اندازه ای که از مرگ نجات پیدا کند، آب بیاشامد ولی روزه ی آن روز او باطل می‌شود و در صورتی که روزه ماه رمضان باشد واجب است بقیه روز را امساک کند، ولی در روزه غیر ماه رمضان - خواه معین خواه غیر معین - امساک واجب نیست هر چند امساک در روزه واجب معین مطابق احتیاط است. (عروة الوثقی، احکام المفطرات، م ۵)	اگر روزه دار در روزه رمضان به اندازه‌ای تشنه شود که خوف هلاکت بدهد، جایز است به مقدار ضرورت که از مرگ نجات پیدا کند، آب بیاشامد و بقیه روز را باید امساک کند و <u>بعید نیست روزه اش صحیح باشد</u> . روزه غیر ماه رمضان هم بنا بر احتیاط واجب ملحق به ماه رمضان است. (استفتا، ۷)	۲۱۳

رؤیت هلال

اول ماه به پنج چیز ثابت می‌شود: ۱. با دیدن ماه توسط مکلف، ۲. شیاعی که باعث علم شود؛ ۳. بینة شرعی (شهادت دو نفر عادل)؛ ۴. گذشتن سی روز از اول ماه قبلی؛ ۵. حکم حاکم شرع. (تحریرالوسیله، الصوم، طریق ثبوت هلال)	اول ماه به پنج چیز ثابت می‌شود: ۱. دیدن ماه توسط شخص مکلف؛ ۲. شهادت دو فرد عادل، در صورتی که جمع زیادی رؤیت هلال را انکار نکنند و گمان اشتباه در آن دو عادل تقویت نشود؛ ۳. شهرتی که موجب علم یا اطمینان باشد؛ ۴. گذشت سی روز از اول ماه قبل؛ ۵. حکم حاکم شرع. (رساله نماز و روزه، م ۹۶۱)	۲۱۴
رؤیت هلال با وسایل مستحدثه اعتبار ندارد؛ پس اگر با بعضی از وسایل بزرگ کننده یا نزدیک آورنده؛ مانند تلسکوپ ببیند، ولی بدون وسیله، هلال، قابل رؤیت نباشد، حکم به اول ماه نمی‌شود.	برای رؤیت هلال، فرقی بین چشم مسلح و غیر مسلح نیست. پس همان‌طور که اگر ماه با چشم عادی دیده شود، حکم به اول ماه می‌شود، اگر به وسیله عینک یا دوربین و تلسکوپ هم دیده شود، اول ماه ثابت می‌شود، ولی اثبات اول ماه با رؤیت تصویر هلال از طریق انعکاس	۲۱۵

به رایانه که صدق عنوان رؤیت در آن معلوم نیست، محل اشکال است. (رساله نماز و روزه، م ۹۶۳)	(تحریرالوسیلة، ج ۲، المسائل المستحدثة، مسائل الصلاة و الصوم، م ۱۸)
---	--

اقسام روزه

۲۱۶	برخی از روزه‌های حرام عبارت است از: ۴. روزه مستحب زن در صورت ازین رفتن حق شوهر؛ (رساله نماز و روزه، م ۹۷۶)	در صورتی که روزه مزاحم حق شوهرش باشد و یا از روزه گرفتن نهی کرده احتیاط واجب آن است زن روزه مستحبی نگیرد. (تحریرالوسیلة، اقسام الصوم، المحظور منه)
۲۱۷	روزه در تمام روزهای سال (جز روزه‌های حرام و مکروه) مستحب است؛ ولی روزه بعضی از روزها مستحب مؤکد است؛ از جمله: A. هر پنجشنبه و جمعه. (رساله نماز و روزه، م ۹۷۷)	برخی از روزه‌هایی که مستحب مؤکد است: ۷. هر پنجشنبه و جمعه. (تحریرالوسیلة، اقسام الصوم، المندوب منه)
۲۱۸	روزه‌های مکروه عبارت است از: ۱. روزه مستحب مهمان بدون اذن میزبان یا با نهی او؛ ۲. روزه روز عرفه در صورتی که موجب ضعفی شود که مانع از اعمال عرفه گردد، ۳. روزه روز عاشورا، ۴. روزه مستحب فرزند بدون اذن پدر و مادر و جد پدری در صورت اذیت نشدن آنان؛ (رساله نماز و روزه، م ۹۷۸)	روزه های مکروه عبارت است از: ۱. روزه مستحبی میهمان بدون اذن میزبان و همچنین با نهی او که احتیاط ترک روزه است، ۲. کسی که روزه او را برای خواندن دعاهاى عرفه و اشتغال به آن ضعیف و بی‌حال می‌کند بهتر است روز عرفه را روزه نگیرد. ۳. روزه عاشورا ۴. روزه مستحبی اولاد بدون اذن والدین اگر اسباب اذیت آنان نشود. (تحریرالوسیلة، اقسام الصوم، المکروه منه)

مسائل اختصاصی در مورد روزه

۲۲	روزه حرجی باطل است.	(استفتا، ۱۰۳)
۲۳	اگر بداند روزه باعث درد قابل توجه؛ مانند درد سر یا درد چشم می‌گردد، تکلیفی نسبت به روزه ندارد.	(استفتا، ۱)
۲۴	زن بارداری که زایمان او نزدیک است؛ اگر می‌ترسد که روزه برای جنین یا خودش ضرر داشته باشد، روزه بر او واجب نیست و در صورت اول (ضرر برای جنین) باید برای هر روز یک مد طعام؛ یعنی گندم یا جو و مانند اینها (به عنوان فدیة) به فقیر بدهد و بعد از ماه رمضان نیز قضای آن را به‌جا آورد و در صورت دوم که برای خودش ضرر دارد، باید روزه‌هایی را که نگرفته، قضا نماید و بنابر احتیاط فدیة نیز بدهد و در مورد زنی که زایمان او نزدیک نیست، پرداخت فدیة مبنی بر احتیاط وجوبی است.	(رساله نماز و روزه، م ۹۵۴)
۲۵	اگر قائل به اثبات اول ماه به حکم حاکم شدیم، در تحقق آن نیاز به الفاظ خاصی نیست؛ بلکه همینکه در مقام ابراز نظر گفته شود فردا عید است کفایت می‌کند.	(استفتا، ۱۰۶)
۲۶	برای آنان که حکم حاکم را قبول دارند ولی چشم مسلح را قبول ندارند، حکم حاکمی که بر مبنای پذیرش چشم مسلح در رؤیت هلال باشد نافذ است.	(استفتا، ۱۰۶)

۲۷	مسافری که صبح به مقدار مسافت شرعی از وطن خود دور می‌شود، اگر قبل از ظهر برگشت ولی شک دارد که به اذان ظهر رسیده یا نه، روزه اش صحیح نیست. (استفتا، ۱۰۶)
----	---

اعتکاف

۲۱۹	اعتکاف در یکی از مساجد چهارگانه (مسجد الحرام، مسجد النبی (صلی الله علیه و آله)، مسجد کوفه و مسجد بصره) دارای فضیلت بیشتر است اما در همه مساجد جامع می‌توان اعتکاف کرد. در مساجد غیر جامع هم که در آن نماز جماعت برپا می‌شود و دارای امام عادل است، اعتکاف به قصد رجاء صحیح است. (رساله نماز و روزه، م ۹۹۴)
۲۲۰	اگر برای ضرورت ناچار شود از مسجد بیرون رود، باید از تأخیرهای بی‌مورد مانند نشستن یا استراحت در زیر سایه و امثال آن اجتناب کند و بیش از مقدار ضرورت بیرون مسجد نماند. (رساله نماز و روزه، م ۹۹۹)
۲۲۱	بر کسی که اعتکاف می‌کند، چند کار حرام است: از جمله آمیزش جنسی و بنا بر احتیاط لمس و بوسیدن همسر از روی شهوت که علاوه بر حرمت، موجب باطل شدن اعتکاف نیز می‌شود. (رساله نماز و روزه، مساله ۱۰۰۳)

مساله اختصاصی در مورد اعتکاف

۲۸	اگر معتکف به دلیل جهل به مسأله با وجود روزه قضا، روزه مستحبی بگیرد و قبل از ظهر روز اول متوجه مساله شود و نیت روزه قضا کند، اعتکافش صحیح است. (استفتاء ۵۵۷)
----	--

خمس

۲۲۲	اگر از معدن چیزی استخراج شود، چنانچه قیمت مواد استخراج شده بعد از کم کردن هزینه‌های استخراج و تصفیه، به مقدار بهای ۱۵ مثقال طلا باشد، واجب است خمس آن پرداخت شود و اگر ارزش آن کمتر از این مقدار باشد، خمس ندارد. (جزوه خمس، م ۴)
۲۲۳	در مسأله‌ی وجوب خمس جواهری که با غواصی به دست آید فرقی نیست که آنچه از دریا بیرون می‌آورد از یک نوع باشد یا چند نوع، در یک دفعه باشد یا چند دفعه نزدیک به یکدیگر، و بنا بر احتیاط واجب رودخانه‌های بزرگ، مانند نیل، فرات یا کارون نیز در حکم دریاست. (جزوه خمس، م ۹)
۲۲۴	اگر صاحب مال را در ضمن عدد محصوری بداند، احتیاط آن است که بنحوی رضایتشان را تحصیل نماید و اگر ممکن نباشد و احتمال تعلق مال به احد الطرفین

<p>(تحریرالوسیلة، کتاب الخمس، السابع)</p>	<p>راجح نباشد، باید بین افراد به طور مساوی تقسیم کند. (درس خارج مکاسب محرمة، ج ۶۱۴ و ۶۱۵)</p>
<p>...ظاهر آن است که پرداختن خمس در حلال کردن مال و یا ک کردن آن کفایت می کند. (تحریرالوسیلة، القول فی ما یجب فیه الخمس، م ۲۸)</p>	<p>۲۲۵ اگر مقدار متعلق به غیر را به طور دقیق نمی داند ولی اجمالاً می داند که بیش از اندازه یک پنجم است، بنا بر احتیاط باید خمس را به اضافه مقداری که یقین می کند بیش از خمس متعلق به غیر است به حاکم شرع بدهد تا در مواردی که هم خمس و هم صدقه محسوب می شود مصرف کند. (جزوه خمس، م ۱۳)</p>
<p>...احتیاطاً با اذن حاکم، به هر کسی بخواهد صدقه می دهد. (تحریرالوسیلة، القول فی ما یجب فیه الخمس، السابع)</p>	<p>۲۲۶ در مال مجهول المالک واجب است برای پیدا کردن صاحبش، جستجو کند و در صورت پیدا شدن صاحبش، مال را به او برگرداند و اگر از پیدا کردن او مأیوس شد، از طرف او به فقیر صدقه دهد و احتیاط مستحب آن است که از حاکم شرع اجازه بگیرد. (درس خارج مکاسب محرمة، ج ۵۸۸)</p>
<p>...بنا بر احتیاط واجب ضامن است. (عروة الوثقی، کتاب الخمس، م ۳۳ حاشیه امام)</p>	<p>۲۲۷ چنانچه بعد از آنکه مال مجهول المالک، صدقه داده شد، مالک آن پیدا شود و به صدقه دادن آن رضایت ندهد، صدقه دهنده ضامن نیست و لازم نیست مثل یا قیمت آن مال را به مالک بدهد. (درس خارج مکاسب محرمة، ج ۵۹۶)</p>
<p>اگر چیزهایی داشته باشد که خمس به آنها تعلق نگرفته یا خمس آنها را داده است و قیمت آنها در بازار بالا رود خمس آن زیاده، بر او واجب نیست در صورتی که آن چیزها عین مال تجارت و سرمایه تجارت نباشند مانند این که مقصود او از خرید او ابقاء آنها، نگهداری خود آنها و بهره بردن از منافع و نماند آنها باشد. و اما اگر مقصود این باشد که با آنها تجارت کند ظاهر آن است که خمس ترقی قیمت آنها پس از تمام شدن سال واجب است بشرط آنکه فروش آنها و گرفتن قیمتش ممکن باشد. و اگر فقط در سال بعد ممکن باشد زیادی قیمت بنا بر اظهر از منافع آن سال می باشد نه سال گذشته. (تحریرالوسیلة، القول فی ما یجب فیه الخمس، م ۸)</p>	<p>۲۲۸ ارث و هبه خمس ندارد، هرچند قیمت آن افزایش یافته باشد، مگر اینکه آن را سرمایه کند (یعنی در معرض فروش قرار دهد)؛ که در این صورت، بنا بر احتیاط واجب ارزش افزوده آن پس از فروش، از درآمد سال حساب می شود که در صورت موجود بودن آن در پایان سال خمسی، خمس آن باید داده شود. اگر چیزی را که مؤونه نیست بدون قصد فروش، از درآمد بین سال خریداری کرده باشد، باید بر اساس ارزش آن در پایان سال، خمس آن را بپردازد و ارزش افزوده آن (ترقی قیمت سوقیه) تا فروخته نشود خمس ندارد و پس از فروش، ترقی قیمت آن پس از کسر مقدار تورم، جزء درآمد سال فروش است. (جزوه خمس، م ۴۰، ۴۱ و ۵۳)</p>
<p>اگر برای مؤونه اش در اول سالش، قرض نماید یا بعضی از چیزهای مورد نیازش را به ذمه بخرد یا قبل از پیدا شدن سود قسمتی از سرمایه را در مؤونه اش مصرف نماید جایز است به همان اندازه از سود کم کند. (تحریرالوسیلة، القول فی ما یجب فیه الخمس، م ۲۰)</p>	<p>۲۲۹ اگر قبل از بدست آوردن سود، برای هزینه های زندگی قرض کرده باشد یا از پولی که متعلق خمس نیست (مانند ارث) برداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب نمیتواند آن هزینه ها را از سود کم کند و باید خمس آن را بپردازد، ولی اگر بعد از حصول سود، از مال غیر متعلق خمس برای مخارج زندگی مصرف کند، در پایان سال به همان مقدار از درآمد کسر می گردد. (استفتاء ۱۰)</p>
<p>اگر فرش یا ظرف یا اسب و مانند اینها را - از چیزهایی که با باقی ماندن عین آنها مورد استفاده قرار می گیرد - بخرد ظاهر آن است که خمس آنها واجب نمی باشد مگر وقتی که از محلّ</p>	<p>۲۳۰ اگر از منفعت کسب پیش از دادن خمس، اثاثیه ای برای منزل بخرد و در بین سال احتیاجش از آن برطرف شود، واجب است که خمس آن را هنگام سال خمسی بدهد،</p>

<p><u>حاجت او بیرون رود که در این صورت احتیاطا خمس آنها واجب است.</u></p> <p>(تحریرالوسیلة، القول فی ما یجب فیہ الخمس، م ۱۶)</p>	<p>ولی اگر پس از گذشت سال خمسی از مؤونه بودن خارج شود، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.</p> <p>سؤال: شخصی مسکن مورد نیاز تهیه نموده و به علی نمی‌تواند در آن سکونت کند، و یا مدتی آن را اجاره داده است، سپس از سکونت در آن منصرف می‌شود و آن را می‌فروشد، بر فرض که در این مدت، سال خمسی بر آن گذشته باشد، حکم خمس آن چگونه است؟</p> <p>جواب: سکونت شرط نیست و همین که مورد نیاز و در شأن او باشد، مؤونه محسوب می‌شود و خمس ندارد حتی پس از فروش.</p> <p>(جزوه خمس، م ۸۳ و استفتاء ۱۲)</p>
<p><u>خمس به عین تعلق می‌گیرد، ولی مالک مخیر بین ادای از عین و یا از مال دیگر می‌باشد.</u></p> <p>(تحریرالوسیلة، القول فی ما یجب فیہ الخمس، م ۲۳)</p>	<p>تأخیر پرداخت خمس از سال خمسی به سال دیگر جایز نیست و کسی که خمس درآمد خود را سر سال نپردازد این خمس بر عهده او می‌باشد که باید آن را پرداخت کند و در صورت کاهش ارزش پول، مقدار تنزل نیز باید پرداخت شود و اگر مقدار تنزل معلوم نباشد، باید با حاکم شرع مصالحه شود.</p> <p>در مواردی که متعلق خمس همانند برنج و گندم مثلی باشد و مکلف سر سال خمسی آن را پرداخت نکند، احتیاط این است که بهای مثل در زمان پرداخت نیز ملاحظه شود و هر کدام کمتر است از مکلف گرفته شود.</p> <p>(جزوه خمس، م ۱۰۸ و استفتاء ۱)</p> <p>۲۳۱</p>
<p><u>انسان نمی‌تواند در مالی که یقین دارد خمسش را نداده اند تصرف کند.</u></p> <p>اگر با عین پول خمس نداده جنسی را بخرد، یعنی به فروشنده بگوید این جنس را به این پول می‌خرم، یا در وقت خریدن قصدش این باشد که از پول خمس نداده عوض آن را بدهد، چنانچه حاکم شرع معامله پنجیک آن را اجازه بدهد، معامله آن مقدار صحیح است.</p> <p>(توضیح المسائل، م ۱۷۹۵ و ۱۷۶۰)</p>	<p><u>خوردن غذای کسی که اهل خمس نیست اشکال ندارد.</u></p> <p>اگر فردی که به اموالش خمس تعلق گرفته ولی خمس آن را نداده است، معامله‌ای انجام دهد، صحیح است.</p> <p>(جزوه خمس، م ۱۳۹ و ۱۴۱)</p> <p>۲۳۲</p>
<p><u>احتیاط است - اگر اقوی نباشد - که مکلف خمس را به کسی که نفقه او به عهده‌اش می‌باشد مخصوصاً زوجه‌اش، ندهد در صورتی که برای نفقه آنها باشد. اما دادن خمس او به آنها برای غیر نفقه - از آنچه که به آن احتیاج دارند و تأمین آن بر خمس دهنده واجب نباشد - اشکالی ندارد.</u></p> <p>(تحریرالوسیلة، القول فی قسمته و مستحقیه، م ۴)</p>	<p>اگر فردی یکی از اعضای خانواده‌اش که واجب النفقه اوست، سید و فقیر باشد، نمیتواند خمس خود را به او بپردازد.</p> <p>(جزوه خمس، م ۱۳۶)</p> <p>۲۳۳</p>
<p>اگر پول را چند سال نگاه دارد برای آن که خانه بخرد، از مؤونه حساب نمی‌شود و واجب است خمس آن را بپردازد.</p> <p>(تحریرالوسیلة، القول فیما یجب فیہ الخمس، م ۱۷)</p>	<p>مال پس‌انداز شده از منفعت کسب اگر برای تأمین هزینه‌های زندگی باشد، سر سال خمسی، خمس دارد مگر این که پس‌انداز برای تهیه لوازم ضروری زندگی و یا تأمین</p> <p>۲۳۴</p>

	<p>هزینه‌های لازم باشد که در این صورت اگر بعد از سال <u>خمس در آینده نزدیک (تا چند روز) در راه‌های مذکور</u> <u>مصرف شود، خمس ندارد.</u> (اجوبه الاستفتاءات، س ۹۰۹)</p>
--	--

مسائل اختصاصی در مورد خمس

۲۹	<p>پولی که مستأجر ناچار است برای اجاره خانه به موجر قرض (رهن) دهد، در صورتیکه توان پرداخت اجاره کامل را نداشته باشد یا موجر نمی‌پذیرد، به مقداری که برای اجاره مسکن مطابق شأن، باید طبق قرارداد اجاره به موجر قرض بدهد، خمس تعلق نمی‌گیرد و احکام مؤنه را دارد. (استفتاء، ۱۰۱)</p>
۳۰	<p>پس انداز مقداری پول برای پیش آمدهای احتمالی چنانچه با دادن خمس، مقدار باقیمانده کفایت نمی‌کند و نگرانی شخص برطرف نمی‌شود خمس ندارد؛ هر چند احتیاط این است که پس از رفع نگرانی (با حصول درآمد جدید) خمس مقداری که مصرف نشده پرداخت شود. (استفتاء، ۱۰۱)</p>
۳۱	<p>پرداخت خمس هر چند بدون قصد قربت باشد موجب برائت ذمه مکلف می‌شود. (استفتاء، ۱۰۱)</p>
۳۲	<p>در صورتیکه پس از پایان سال خمسی و حصول اولین درآمد در سال جدید، فاصله زمانی واقع شود می‌تواند مبدا سال خمسی جدید را از تاریخ حصول اولین درآمد قرار دهد. (استفتاء، ۱۰۳)</p>
۳۳	<p>اگر شخصی پولی را در لای کتابش پیدا کند و دچار تردید شود که آیا از درآمد سال قبل است که باید فوراً خمس آن داده شود و یا از درآمد سال جدید است که تا پایان سال خمسی مهلت دارد صرف در مؤنه کند، جزء درآمد سال جدیدش محسوب می‌شود. (استفتاء، ۱۰۴)</p>
۳۴	<p>صدق فائده بر اجرت حجبی که هنوز آن را انجام نداده و نیز بر اجرت صوم و صلاتی که قرار است در سال بعد انجام دهد معلوم نیست و نمی‌توان آن را از ارباح سال جاری دانست، پس خمس در آن واجب نیست. (استفتاء، ۱۳)</p>
۳۵	<p>سؤال: شخصی به شخص دیگری هدیه ای داده و قصد جدی نیز داشته و به قصد فرار از خمس نیست، بعد از سال خمسی از هبه خود رجوع می‌کند و آن را پس می‌گیرد، آیا باید خمس آن را بدهد؟ پاسخ: به مجرد رجوع از هبه باید خمس آن را بدهد. (استفتاء، ۳۰)</p>

پول دریافتی از بیمه

۳۶	<p>پولی که طبق قرارداد به عنوان بیمه عمر یا نقص عضو به فرد بیمه‌گذار پرداخت می‌کنند درآمد محسوب می‌شود، لکن پولی که بعد از فوت او به بازماندگان داده می‌شود، نوعی احسان به آنان است و درآمد کسب نیست و خمس ندارد. مبالغی که بابت درمان و مانند آن از درآمد پرداخت می‌شود و بعد مثلاً شرکت بیمه آن را برمی‌گرداند، درآمد جدید نیست، بلکه برگشت همان پول فرد است که اگر تا سر سال خمسی در مخارج زندگی صرف نشود، متعلق خمس می‌باشد ولی اگر بعد از گذشت سال خمسی برگردانده شود، باید بلافاصله خمس آن پرداخت شود.</p> <p>پولی که شرکت‌های بیمه جهت جبران خسارت به بیمه‌گذار می‌پردازند؛ مانند بیمه بدنه خودرو، آتش سوزی، محصولات کشاورزی، جزو درآمد کسب است و چنانچه تا سر سال خمسی در مخارج زندگی صرف نشود، پرداخت خمس آن واجب است.</p> <p>بیمه بیکاری و مانند آن که بر اساس قرارداد بین کارفرما و یا شخص دیگری (غیر از دریافت کننده مقرری مزبور) و اداره بیمه، پرداخت می‌شود، برای دریافت کننده هدیه بوده و خمس ندارد ولی اگر بر اساس قرارداد بین خود گیرنده و اداره بیمه باشد و یا پرداخت کارفرما بر اساس شرط بین گیرنده و او باشد، متعلق خمس است</p> <p>پولی که در حوادث رانندگی، فرد خسارت زنده و یا شرکت بیمه از طرف او، جهت جبران خسارت به فرد خسارت دیده پرداخت می‌کند (بیمه شخص ثالث)، درآمد کسب نبوده و خمس ندارد. (استفتاء، ۱۱)</p>
----	---

زکات

۲۳۵	<p>زکات کشمش، در هنگامی واجب می‌شود که به آن انگور گفته شود و پیش از آن زکات تعلق نمی‌گیرد.</p>	
	<p>زکات کشمش بنا بر احتیاط وقتی واجب می‌شود که غوره است. (تحریر الوسیلة، زکات الغلات، م ۳)</p>	

	(استفتاء ۲)	
اگر زکات فطره را به یکی از هشت مصرفی که سابقاً برای زکات مال گفته شد برسانند کافی است، ولی احتیاطاً مستحب آن است که فقط به فقراى شیعه بدهد. (تحریرالوسیلة، کتاب الزکاة، القول فى مصرفها)	احتیاط واجب آن است که زکات فطره را تنها به فقیران شیعه پردازند و در سایر مصارف زکات مال مصرف نکنند. (استفتاء ۵)	۲۳۶

نذر

نذر زن بدون اجازه شوهرش باطل است. (توضیح المسائل، م ۲۶۵۴)	در صحت نذر زوجه در صورتی که شوهر او غایب باشد، اذن شوهر شرط نیست. ولی اگر حضور داشته باشد، احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد. و اگر بدون اذن شوهر نذر کند، نذر او منعقد نمی شود. (مناسک حج، م ۸۱)	۲۳۷
اگر انسان از روی اختیار به نذر خود عمل نکند باید کفاره بدهد یعنی يك بنده آزاد کند یا به شصت فقیر طعام دهد یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد. (تحریرالوسیلة، کتاب الایمان والنذور، م ۲۶ و ۲۸)	کفاره نذر همان کفاره ی قسم است، یعنی: آزاد کردن یک بنده یا به ده فقیر طعام دادن یا یوشاندن آنها و در صورت عدم تمکن سه روز روزه گرفتن. (استفتاء، روزه، ۶۶)	۲۳۸

حج

(موارد تفاوت فتوا در مورد حج تنها مربوط به شرایط استطاعت می باشد)

کسی که نیاز به ازدواج دارد و برای آن یول لازم دارد، در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر مخارج حج، مصارف ازدواج را هم داشته باشد. (مناسک حج، م ۱۸)	کسی که نیاز به ازدواج دارد و ترك ازدواج موجب مشقت یا حرج او شود و بتواند ازدواج کند، زمانی مستطیع می شود که علاوه بر مخارج حج هزینه های ازدواج را نیز داشته باشد. (مناسک حج، م ۴۳)	۲۳۹
اگر غیر مستطیع، مصارف حج را قرض کند، مستطیع نمی شود، هر چند بتواند بعداً به سهولت قرض را ادا کند و اگر با آن حج به جا آورد از حجة الاسلام کفایت نمی کند. (مناسک حج، م ۲۰)	کسی که هزینه ی رفتن به حج را در اختیار ندارد، اما میتواند قرض بگیرد و سپس به سادگی قرض خود را ادا کند، واجب نیست که خود را با قرض گرفتن مستطیع کند، اما اگر بگیرد، حج بر او واجب می شود. (مناسک حج، م ۴۱)	۲۴۰
احتیاط واجب آن است که تحقیق کند، و فرقی نیست در وجوب تحقیق، میان آن که مقدار مال خود یا مقدار مخارج حج را نداند. (مناسک حج، م ۲۹)	اگر شك در استطاعت داشته باشد و بخواهد بداند که آیا مستطیع شده یا خیر، ظاهراً واجب است وضعیت مالی خود را بررسی کند. (مناسک حج، م ۴۵)	۲۴۱
اگر بعد از مراجعت، نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعیه داشته باشد کفایت نمی کند، بنابر این بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حج نیاز به شهریه حوزه های علمیه دارند، حج واجب نیست. (مناسک حج، م ۴۸ و ۴۰)	طلاب علوم دینی اگر بعد از مراجعت از حج زندگی آنان با شهریه حوزه های علوم دینی اداره یا تکمیل می شود، کافی است. (مناسک حج، ذیل م ۵۵)	۲۴۲
کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر، سعی در رفتن به حج داشته و در قرعه کشی شرکت نموده و از جهت اینکه قرعه به نامش اصابت نکرده نتوانسته به حج برود مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست.	کسی که هزینه ی رفتن به حج را دارد و بدون تأخیر برای اعزام، نام نویسی کرده، اما قرعه به نامش در نیامده و نتوانسته در آن سال به حج برود، مستطیع نیست و حج بر او واجب نشده است، اما اگر رفتن به حج در سال های	۲۴۳

(مناسک حج، م ۵۵ و ۵۷)	بعد از آن، منوط به نام‌نویسی و پرداخت مبلغی در همان سال باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نسبت به این کار اقدام کند.	
کسی که برای حج نیابتی اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده؛ چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد، باید حج نیابتی را به‌جا آورد و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد.	کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای نیابت از دیگری اجیر شود و سپس بعد از عقد اجاره به واسطه‌ی مالی غیر از مال‌الاجاره مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده، اجاره باطل است، و در غیر این صورت، باید حج استیجاری را در سال بعد به‌جا آورد.	۲۴۴

نگاه و پوشش

از نگاه و لمس موی جدا شده زن نامحرم بنا بر احتیاط واجب اجتناب شود.	نگاه و لمس موی جدا شده زن نامحرم ظاهراً اشکال ندارد، هرچند احتیاط مستحب است که لمس نکنند.	۲۴۵
احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه، و زن لباس مردانه نپوشد. ولی اگر با آن نماز بخواند، اشکال ندارد.	صرف پوشیدن لباس جنس مخالف، چنانچه صدق عنوان تأنیث یا تذکیر نکند، حرام نیست.	۲۴۶

مساله اختصاصی در مورد نگاه و پوشش

احوط آن است که مرد یا زن، از زینتی که مخصوص به جنس مخالف است استفاده نکند؛ اگرچه قصد تأنیث و تذکیر هم نداشته باشند. مثل مردی که بدون قصد تأنیث و فقط به منظور آرایش، زیرابرو بردارد که احوط ترک آن است.		۳۷
---	--	----

نکاح

...باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد.	دختری که بالغ و رشید است؛ یعنی مصلحت خویش را تشخیص می‌دهد اگر بکر باشد و بخواهد شوهر کند، چه به طور دائم یا موقت، بنا بر احتیاط واجب باید از پدر یا جد پدری خود اذن بگیرد.	۲۴۷
آنچه که متعارف شده از اینکه يك ساعت یا دو ساعت عقد انقطاعی بر دختر کوچک شیرخوار یا نزدیک به آن، واقع می‌سازند و منظورشان از این کار آن است که مادرش بر معقودله محرم بشود خالی از اشکال نمی‌باشد، اگر چه خالی از قرب هم نمی‌باشد.	صحت عقد موقت نوزاد (بدون در نظر گرفتن مدتی که قابلیت استمتاع پیدا کند) محل اشکال است.	۲۴۸
ذکر مدت در ازدواج موقت شرط است و مقدار مدت- طولانی باشد یا کوتاه- با خود آنها است و باید با زمان معین باشد به طوری که از زیاد و کم محفوظ بماند.	صحت عقد موقت طولانی مدت مثل ۹۹ ساله که عادتاً احتمال بقای زوجین تا آن مدت وجود ندارد محل اشکال است.	۲۴۹
ازدواج با مجوسیه بنا بر اقوی حرام است.	عقد موقت با زنان زرتشتی، اشکال ندارد.	۲۵۰

(تحریرالوسیلة، کتاب النکاح، القول فی الکفر، م ۱)	(استفتاء، ۲)	
--	--------------	--

مساله اختصاصی در مورد نکاح

سؤال: اگر مرد با وعده ازدواج دائم دختری را راضی به عقد موقت کند تا شناخت بیشتری حاصل شود ولی در مدت محرمیت به او تجاوز و ازاله بکارت کرده و پس از انقضا مدت، او را رها کند؛ آیا دختر می‌تواند اجرت المثل مطالبه کند؟ پاسخ: در صورتی که این شرط به صورت شرط در ضمن عقد بوده است واجب است وفا کند والا با فرض ثبوت فریب باید رضایت دختر را جلب کند و وجوب اجرة المثل معلوم نیست. (استفتاء ۱۷)	۳۸
---	----

مسائل اختصاصی در مورد طلاق

سؤال: اگر شخصی خود را عادل نداند ولی فردی که وکالت در طلاق دارد او را عادل بداند آیا این شخص می‌تواند خود را شاهد طلاق قرار دهد و یا اینکه واجب است مجلس را ترک کند؟ پاسخ: وجوب ترک مجلس معلوم نیست ولی نمی‌توان آثار طلاق صحیح را بر آن مترتب کند. (استفتاء ۵۵۷)	۳۹
سؤال: خانمی در عده طلاق خلع، به مدت شش ماه صیغه موقت شوهرش می‌شود، بعد از این شش ماه عده این خانم به چه صورت است؟ پاسخ: اگر در مدت شش ماه نزدیکی کرده باشند باید عده عقد موقت را نگه‌دارد و اگر در این مدت نزدیکی نکرده‌اند، عده ندارد. (استفتاء ۵۴۹)	۴۰

معاملات

تصویر نمودن صاحبان روح از انسان و حیوان در صورتی که به صورت مجسمه باشد <u>حرام است</u> ؛ مانند آنچه که از سنگ ها و فلزات و چوب ها و مانند این ها درست می‌شود. (تحریرالوسیلة، کتاب المکاسب، م ۱۲)	تصویر، اعم از مجسم و غیر مجسم فی نفسه، <u>حرمی ندارد</u> . (مکاسب محرمه، درس ۱۵۲ و درس ۱۵۶ و رساله آموزشی، جلد ۲، گفتار ۲۱)	۲۵۱
جادو کردن و یاد دادن و یاد گرفتن و کسب کردن با آن، حرام می‌باشد؛ بلکه به آن ملحق می‌شود یا قسمی از سحر است <u>«شعبده»</u> ، و آن عبارت است از اینکه به سبب حرکت سریع، غیر واقع را واقع نشان دهد. (تحریرالوسیلة، کتاب المکاسب، م ۱۶)	<u>شعبده</u> (عملی که ناشی از سرعت، خفت، مخاریق و تمرین است و ماهیتاً با سحر متفاوت است) <u>فی نفسه حرام نیست</u> ، ولی اگر عنوان محرمی بر آن منطبق شود، حرام می‌باشد. (مکاسب محرمه، درس ۲۳۱ و رساله آموزشی، جلد ۲، درس ۱۱)	۲۵۲
<u>کسب کردن با تمام انواع اعیان نجس (نجاسات) جایز نیست</u> . و البته در عمومیت داشتن (حکم عدم جواز نسبت به همه نجاسات) اشکال است. (تحریرالوسیلة، کتاب المکاسب، م ۱)	<u>اگر عین نجس دارای منفعت حلال باشد و برای همین منفعت مباح هم معامله شود، معامله حلال و صحیح است</u> ، ولی اگر دارای منفعت حلال نباشد یا برای منفعت حرام، معامله انجام گیرد، حرام و باطل است. <u>اگر خوک برای استفاده‌ی متعارف (یعنی تغذیه انسان) معامله شود، بنا بر احتیاط واجب معامله باطل بوده و نقل و انتقال صورت نمی‌گیرد</u> . (مکاسب محرمه، درس ۶۰ و ۶۱ و رساله آموزشی، جلد دوم، درس ۱)	۲۵۳
چیزی که به حکم شرع، حکم میته دارد، خرید و فروش و معاوضه آن و یا مجانی دادن به انسان دیگر به منظور خوردن، <u>جایز نیست</u> . (استفتاءات، ج ۵، س ۶۵۱۸)	فروش و در اختیار قراردادن مسکرات به دیگران مطلقاً جایز نیست و کسب درآمد از طریق آن ها حرام است و در غیر مسکرات فروش و در اختیار قرار دادن خوراکی های حرام به کسی که طبق مذهبش آن را حرام نمی‌داند	۲۵۴

	داند، اشكال ندارد، البته در مورد گوشت خوک، احتیاط در ترک کسب درآمد از آن است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۹۱)	
...کما اینکه بیع و اجاره در مواردی که ذکر شد، حرام می باشد، فاسد هم می باشد؛ پس ثمن و اجرت آن برایش حلال نمی باشد. و همچنین است فروختن انگور و خرما و چوب به کسی که می داند او آنها را شراب و صلیب و بت و آلت قمار و بربط (و آلات لهو) می کند. و امثال اینها. (تحریرالوسیلة، کتاب المکاسب، م ۱۰)	اگر شیئی که دارای منافع حلال و حرام است، معامله شود و فروشنده هنگام معامله شرط کند که خریدار آن شیء را در منفعت حرام صرف کند، یا قصد فروشنده از معامله استفاده حرام باشد؛ مثل فروش انگور به شرط تهیه شراب یا به قصد تهیه شراب توسط مشتری، در این صورت معامله حرام است ولی باطل نیست. همچنین اگر فروشنده بداند که خریدار کالا را در حرام به کار می برد، اگر عرفاً کمک به عمل حرام محسوب شود و یا وظیفه فروشنده نهی از منکر باشد، معامله حرام است. (مکاسب محرمه، درس ۱۰۷، ۱۲۰ و ۱۲۱ رساله آموزشی، جلد دوم، درس ۴)	۲۵۵
غنا عبارت از کشیدن و برگرداندن صدا با کیفیت خاصی است که طرب آور و مناسب مجالس لهو و محافل طرب و آلات لهو و ادوات موسیقی باشد. البته گاهی غنای زنان آوازه خوان در عروسیها استثناء می شود، و آن بعید نیست، و احتیاط ترک نشود که به زفاف عروس و مجلسی که جلوتر یا بعد از آن برای عروسی گرفته می شود، اکتفا شود نه هر مجلسی بلکه احوط این است که مطلقاً اجتناب شود. (تحریرالوسیلة، کتاب المکاسب، م ۱۳)	طرب انگیز بودن، ریتم تند داشتن، قصد تفریح، شدت و ضعف تاثیر در لهوی بودن و قصد لهویت، تاثیری در حرمت یا عدم حرمت غناء ندارد، بلکه آنچه موجب حرمت می شود آن است که لهوی مضل باشد. در حرمت غنای لهوی مضل، فرقی بین مجلس عروسی و غیر آن نیست. (مکاسب محرمه، درس ۳۱۵، ۳۱۶ و ۳۱۸ رساله آموزشی، جلد ۲، درس ۲۸)	۲۵۶
گرفتن اجرت برای چیزی که انجام دادن آن شخصاً بر او واجب است، حرام می باشد. بلکه اگر چه واجب کفایی بر او باشد، بنا بر احتیاط در مورد آن. (تحریرالوسیلة، کتاب المکاسب، م ۱۸)	گرفتن اجرت بر امور واجب جایز است؛ به این معنا که انسان شخصی را اجیر کند بر انجام کاری که بر او واجب است و به او برای انجام آن، پول بدهد و فرقی نمی کند که واجب تعبدی باشد یا توصلی، عینی باشد یا کفایی، تعیینی باشد یا تخییری. (مکاسب محرمه، درس ۵۱۷)	۲۵۷
سوال: هرگاه کسی، چک موعدی را به مبلغی کمتر از مبلغ قید شده در چک بخرد، چه حکمی دارد؟ و همچنین فروش سفته موعدی به مبلغ کمتر جایز است یا خیر؟ بسمه تعالی، فروش چک یا سفته به شخص ثالث به مبلغ کمتر ربا و حرام است. (استفتاءات، ج ۱۰، س ۱۱۶۲۱)	فروش چک مدت دار به دیگری به کمتر یا بیشتر از مبلغ مندرج در چک جایز است و اشکال ندارد. آنچه اشکال دارد و جایز نیست این است که مبلغی از کسی قرض بگیرد و در برابر آن چک مدت دار به مبلغ بیشتر از مبلغ قرض به او بدهد. این عمل قرض ربوی است و حرام است، اگرچه بعید نیست اصل قرض صحیح باشد. (استفتاء، ۲۳)	۲۵۸
س- اگر فردی غیبت فرد دیگر را نموده آیا باید برای توبه کردن از طرف مقابل طلب رضایت نماید یا اینکه تنها استغفار کافی است؟ در صورت مانع بودن شرم و حیا چه باید کرد؟ ج- استغفار کافی است. (استفتاءات، جلد ۵، ۶۷۶)	اگر غیبت شونده زنده است و امکان استحلال از او می باشد، باید از او طلب مغفرت و بخشش کند و اگر در قید حیات نیست یا امکان استحلال از او نیست، برایش استغفار نماید. (مکاسب محرمه، ج ۳۷۲، ص ۱۰)	۲۵۹

اطعمه و اشربه

<p>مداوا نمودن به شراب بلکه به هر مسکری به شرطی که علم داشته باشد که مرض قابل معالجه است و علم داشته باشد که ترك معالجه با آن به هلاکت با به چیزی که نزدیک به آن است منتهی می شود، جایز است.</p> <p>(تحریر، کتاب الاطعمه و الاشربه، القول فی غیر الحیوان، م ۳۵)</p>	<p>معالجه با مسکرات به صورت خوراک، فقط در صورتی که درمان منحصر در آن باشد، به مقدار ضرورت جایز است. معالجه به صورت تزریقی نیز بنا بر احتیاط واجب همین گونه است.</p> <p>(استفتاء ۳۰۳)</p>	۲۶۰
<p>اگر توری را نصب کند یا حصاری در آب بسازد که ماهی شکار کند، اگر در آب بمیرد حرام است.</p> <p>(تحریر الوسیله، کتاب الصيد والذباحه، القول فی الصيد، م ۲۷)</p>	<p>اگر هنگام صید، ماهی داخل تور صیادی بمیرد هر چند داخل آب باشد حلال است.</p> <p>(استفتاء ۴)</p>	۲۶۱

ارث زوجه

<p>زن از زمین و قیمت آن ارث نمی برد.</p> <p>(تحریر الوسیله، کتاب الموارث، المقصد الثانی فی المیراث بسبب الزوجیه، م ۵)</p>	<p>زوجه خواه دارای فرزند از شوهرش باشد یا نباشد، از قیمت زمین. خواه زمین خانه یا مغازه یا زمین باغ یا مزرعه باشد. ارث می برد.</p> <p>(استفتاء، ۶۲۵۳۸)</p>	۲۶۲
---	---	-----

مسائل اختصاصی در مورد دین و قرض

<p>سوال: اگر پولی قرض داده شود و شرط شود که قرض گیرنده تورم را هم موقع ادا بدهد چه حکمی دارد؟</p> <p>پاسخ: جایز است و صدق زیاده نمی کند.</p> <p>(استفتاء ۱)</p>	<p>سوال: اگر چنین شرطی نشود و قرض گیرنده در موعد مقرر دینش را پرداخت کند، آیا بدهکار مکلف به پرداخت تورم است؟</p> <p>پاسخ: در صورت درخواست طلبکار، باید جبران کند مگر در مواردی که شرط شده باشد - ولو به نحو ارتکازی - که همان مبلغ عودت داده شود همانند قرضی که مستأجر به موجر می دهد یا قرض الحسنه ای که بانک ها می پردازند.</p> <p>(استفتاء ۱)</p>	۴۱
<p>سوال: اگر بدهکار قصد پرداخت بدهی را داشته باشد و امکان دسترسی به بدهکار هم باشد و یا احتمال عقلایی نسبت به پیدا کردنش باشد ولی تحقیق و جستجو از طلبکار هزینه ها یا سختی های نامتعارفی دارد مثل اینکه باید بدهکار چند شهر را دنبال طلبکار بگردد یا به کشور دیگری سفر کند و یا دهها فرد یا محیط را مورد بررسی قرار دهد در این حال:</p> <p>الف) اگر بدهکار در پرداخت بدهی کوتاهی نکرده آیا انجام این امور بر او واجب است؟ ب) اگر بدهکار در پرداخت بدهی کوتاهی کرده آیا انجام این امور بر او واجب است؟ ج) در هر یک از دو فرض قبل اگر میزان بدهی کم باشد یا این هزینه جستجو بیشتر از میزان بدهی باشد آیا تحقیق واجب است؟</p> <p>پاسخ: در صورتی که رساندن مال به طلبکار ممکن باشد باید آن را انجام دهد، مگر در صورت ضرر فاحش یا حرج، و در این صورت دین باقی می ماند و باید خود یا وصیش (در صورت موت بدهکار) هر گاه رفع حرج یا ضرر شد اداء کنند و هر گاه اداء ناممکن شد از طرف او صدقه بدهند و هر گاه بعد از صدقه، طلبکار در دسترس واقع شد تدارک کنند البته در صورت ظلم و غصب عالم عامد، بدهکار مأخوذ به اشق احوال است.</p> <p>(استفتاء، ۷۰)</p>	<p>سوال: اگر زمین را به مدت طولانی مثلاً پنجاه سال و بیشتر اجاره کنند و در آن مسجد احداث کنند در این مدت حکم مسجد دارد.</p> <p>(اجوبه الاستفتائات، س ۲۰۳۷)</p>	۴۲
<p>سوال: اگر پولی قرض داده شود و شرط شود که قرض گیرنده تورم را هم موقع ادا بدهد چه حکمی دارد؟</p> <p>پاسخ: جایز است و صدق زیاده نمی کند.</p> <p>(استفتاء ۱)</p>	<p>سوال: اگر چنین شرطی نشود و قرض گیرنده در موعد مقرر دینش را پرداخت کند، آیا بدهکار مکلف به پرداخت تورم است؟</p> <p>پاسخ: در صورت درخواست طلبکار، باید جبران کند مگر در مواردی که شرط شده باشد - ولو به نحو ارتکازی - که همان مبلغ عودت داده شود همانند قرضی که مستأجر به موجر می دهد یا قرض الحسنه ای که بانک ها می پردازند.</p> <p>(استفتاء ۱)</p>	۴۳

وقف

<p>مسجد شدن آن مکان محل تامل است و صرف این قصد در ترتیب آثار مسجد شدن معلوم نیست.</p> <p>(عروة الوثقی، استئجار الارض لتعمل مسجداً، م ۲)</p>	<p>اگر زمین را به مدت طولانی مثلاً پنجاه سال و بیشتر اجاره کنند و در آن مسجد احداث کنند در این مدت حکم مسجد دارد.</p> <p>(اجوبه الاستفتائات، س ۲۰۳۷)</p>	۲۶۳
---	--	-----

مسائل اختصاصی در مورد وقف

۴۴	اگر مکان متحرک و غیر ثابتی مانند وسیله نقلیه به عنوان مسجد وقف شده باشد، بنابر احتیاط واجب مسجد شرعی بر آن صدق می‌کند و احکام مسجد بر آن جاری است. (رساله نماز و روزه، م ۱۲۷)
۴۵	وقف سهام صحیح است و بنابراین راه اندازی صندوق های سرمایه گذاری وقف بلامانع است. و اگر در ضمن عقد وقف، شرط شود که در صورت کاهش قیمت سهام وقفی یا کاهش بازدهی آنها، متولی، آن سهام را فروخته و با پول آنها سهام بهتری خریداری و وقف کند، صحیح است. (استفتاء وقف سهام)
۴۶	به نظر می‌رسد که بقاء مالیت پول توجیه قابل قبولی برای صحت وقف آن است. و در این مساله نیاز به اطلاق نیست؛ زیرا وقف جزو عناوین امضاء شده‌ی در شرع است و حکم تأسیسی نیست و شک نمی‌توان داشت که آن کسانی که وقف را تأسیس و در طول زمانها اجراء کرده‌اند هدفشان این بوده که چیز ثابتی را بگذارند که عوائد آن صدقه‌ی جاریه باشد. بلی ممکن است در آن روزگار چیز ثابت، منحصر در عین بوده است ولی این موجب اختصاص حکم به عین نمی‌شود؛ چون غرض و هدف معلوم است و شارع مقدس همین را امضاء فرموده است. (استفتاء وقف پول)
۴۷	سوال: اگر در وقفنامه‌ای متولی منصوص اکبر اولاد ذکور واقف نسلاً بعد نسل ذکر شده باشد، پس از او آیا فرزند بزرگ ایشان متولی می‌شود یا برادر ایشان؟ پاسخ: پس از او برادر بزرگترش و مادامی که برادران متولی اول زنده هستند، فرزندان او متولی نخواهند شد تا آنکه نسل اوّل منقضی شود و تولیت به اکبر اولاد ذکور نسل بعدی برسد و برای نسلهای بعدی نیز به همین صورت خواهد بود که تا از نسل قبل یک نفر زنده باشد نوبت به نسل بعدی نمی‌رسد. (استفتاء، ۱۰۶)
۴۸	سؤال: آیا تبدیل موقوفه انتفاعی غیر قابل استفاده برای مردم به منفعتی و هزینه کردن عواید آن در جهت نیت واقف و یا اقرب به نیت، جایز است یا خیر؟ و در صورت عدم جواز تبدیل به منفعتی، آیا تبدیل اصل موقوفه به انتفاعی دیگر که قابل استفاده برای مردم باشد جایز است یا خیر؟ پاسخ: در مورد امثال حمام و آب انبار، در فرض مرقوم تبدیل به موقوفه انتفاعی دیگر شود که حتی الامکان اقرب به نظر واقف و انفع به حال مردم باشد و در مواردی که تبدیل آن به انتفاعی مقدور نباشد تبدیل به منفعتی و صرف درآمد آن در جهت وقف بلا اشکال است. (استفتاء، ۸)

صدقه

۲۶۴	مالی که انسان به مسکین و فقیر می‌دهد، به آن صدقه می‌گویند. <u>مالی که بغیر فقیر داده می‌شود</u> ، اگرچه با قصد قربت هم باشد، صدقه نمی‌گویند. (مکاسب محرمة، درس ۵۹۱، ص ۳ و ۴)	در صدقه مستحب، فقر معتبر نیست. (تحریر الوسیلة، کتاب الوقف، القول فی الصدقه، م ۵)
-----	---	---

مسائل پزشکی

۲۶۵	<u>تغییر جنسیت جایز نیست مگر در صورتی که از راه های علمی و عرفی اطمینان آور، ثابت شود که شخص متقاضی تبدیل جنسیت، متعلق به جنس مخالف است که در این صورت عمل تبدیل جنسیت او - صرف نظر</u>	ظاهر آن است که تغییر جنس مرد به زن به سبب عمل و برعکس آن، حرام نیست. (تحریر الوسیلة، مسائل مستحدثه، تغییر الجنسیة، م ۱)
-----	---	--

	<p>از احکام ثانوی مثل لمس و نگاه به عورت نامحرم - جایز است. همچنین در صورتی که تعلق او به جنس مخالف ثابت نشود ولی خلاف آن هم ثابت نشود و این شخص در وضعیت اضطرار شدید روحی قرار داشته باشد، جواز عمل مزبور بعید نیست.</p> <p>(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۲۷۹)</p>	
<p>تلقیح با نطفه غیر زوج، جایز نیست.</p> <p>(تحریر الوسیلة، مسائل مستحدثه (تلقیح)، م ۲)</p>	<p>تلقیح زن از طریق نطفه مرد اجنبی فی نفسه اشکال ندارد ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آنها اجتناب شود.</p> <p>(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۲۷۵)</p>	<p>۲۶۶</p>

مساله اختصاصی در مورد مسائل پزشکی

<p>سؤال: اگر شخصی مبتلا به مرضی است که امکان مداوا ندارد و استفاده از دارو تنها تأثیر در تأخیر مرگ دارد، آیا استفاده از دارو بر خود بیمار و یا تجویز آن توسط پزشک واجب است؟</p> <p>پاسخ: به جهت وجوب حفظ حیات، استفاده از دارو بر خود بیمار و تجویز آن بر پزشک واجب است و علی الظاهر فرقی میان مدت زمان کوتاه و بلند در وجوب حفظ حیات نیست مگر آنکه زمان به قدری کوتاه باشد که عرفاً حفظ حیات صدق نکند؛ مانند یک ساعت.</p> <p>(استفتاء ۵۵۲)</p>	<p>۴۹</p>
---	-----------